

موسى بن جعفر

کتاب تصفیة کما فی الحقیقة

۲۲۹۳۰

الصفحة ۹

نمبر داخل

۲۲۹۳۰

تاریخ داخل

تمام کتاب

فن کتاب

تذکرۃ المواد

سلام

۱۶۳۳

نمبر کتاب فن مذکور





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِفَضْلِ كَرَامَتِهِ سَوَادِ قَبُولِهِ وَنَشْوَ اَزْ تَصَدِيقِ حَقِّ كَانِ اَوَّلِ اَسَدِ نَبِيِّ بَرَكَاتِهِ مَجْدِ عَالَمِي



بِإِسْمِ مُحَمَّدٍ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ شَرَفِ نَسَبِهِ وَبَرَكَةِ نَسَبِهِ وَبَرَكَةِ نَسَبِهِ وَبَرَكَةِ نَسَبِهِ

مَطْبَعُ مَدِينَةِ اَبْنِ كَابُو طَبُو





الحمد لله رب العالمين

طهر و خدمت و عبادت  
و برای اعظم شکر و سپاس  
از آن گناه و گنجهای  
بگریزید و بگویم خدای  
عبادت و بزرگ  
بلند و بزرگ  
طهر و خدمت و عبادت  
و برای اعظم شکر و سپاس  
از آن گناه و گنجهای  
بگریزید و بگویم خدای  
عبادت و بزرگ  
بلند و بزرگ  
طهر و خدمت و عبادت  
و برای اعظم شکر و سپاس  
از آن گناه و گنجهای  
بگریزید و بگویم خدای  
عبادت و بزرگ  
بلند و بزرگ

منظور باشند در الوقت با دستند را که سرخ رنگ باشد و زرد از حسن و سرخ و قد و و غیر علامات قیام  
 بی بی آیند چنانچه رشته گسسته شود و در آنها که در آن منتظم باشند فرو ریزند و در آن

فصل در ذکر محمد مهدی رضی الله عنه نزدی و ابوداود و از ابن مسعود از آنحضرت صلی الله علیه و آله روایت کرده نخواهد رفت دنیا تا که مالک شود عرب را مردی از اهل بیت س که نام او نام من باشد و نام پدرش نام پدر من زمین را از عدل برگزینی از جوهر پرتابه بود و لقب و داد و از علی رضی الله عنه روایت کرده که بسوی حسن رضی الله عنه دید و گفت که این پسر من سید است چنانچه رسول فرمود صلی الله علیه و سلم از صلب او مردی پیدا شود که نام او نام من باشد مشابه باشد آنحضرت را در خلق نه در خلق ابوداود و از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آورده و صفت مهدی کشاید بلند و باریک بینی و ابوداود و از ام سلمه از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که با و شاهی از زمان مردی از اهل مدینه براید و بسوی که گویخته رود او را مردم با بی خلافت برانند و او کاره باشد و در میان رکن مقام با و بی حیت کنند پس لشکری از طرف شام بر دخی ستاده شود پس آن لشکر در میان که مدینه و زمین فرود و ابدال از شام و عصاب از عراق آمده با و بی حیت کنند پس مردی از خویش براید که احوال او از بی کلب باشند مهدی و بی لشکر فرستد و بر غلبه شوند و مهدی بر سنت پیغمبر صلی الله علیه و سلم عمل کند و اسلام در وقت او آرام گیرد و هفت سال با و شاهی کند پست برود و مسلمانان و بی نماز خوانند و در روایت مرفوعه از ابی سعید خدری نزد حاکم وارد نمیشد را از عدل برگزینی از و رضی باشد آسمان و باریدن و زمین در و بانیدن کمی کنند مردم آرزو کنند و گویند و بیوقت اگر مردگان هم زنده بودند بی خوش آسایش گردند بی حد و حرجیست که در آخر زمان خلیفه باشد که مال را بی شمار قسمت کند هر دو و سلم از بی بریرت کرده از آنحضرت صلی الله علیه و سلم که قیامت قائم نشود تا که آن بسیار شود و حدیکه مرد زکوة برارد و نیاید کسی که قبول زکوة کند نوع دوم در علامات کبری سلم از عبد الله بن عمر آورده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم اول ایا طلوع آفتاب از جانب مغرب باشد یا خروج و ایه الارض وقت چاشت هر یکی که از اینها باشد دوم قریب آن ظاهر شود قال الله تعالی زکاة و قع القول علیکم اخرجنا لهم دابة من الارض نكلمهم ان الناس كانوا ایاکنا لا یؤمنون

یعنی وقتیکه واقع شود حکم خدا بر مردم بقیام قیامت یعنی قیامت نزدیک رسد خارج کنیم بر  
 مردم دایه الارض که سخن گوید با مردم آنکه مردم آیات مایقین تمیید اشتند و در قرآنی غیر متواتر حکم  
 بفتح تا و سکون کاف و تخفیف لام آمده یعنی زخمی کند مردم را برای آنکه آیات خدا یقین نداشتند  
 این عباس گفته که هر دو باشد با مسلمانان کلام کند و کافران را زخم رساند و در روایات احادیث  
 اختلاف است در بعضی روایات آمده که روی او مثل روی انسان باشد صاحب لمحیه و سائر بدن  
 مثل برنده باشد و در اکثر روایات آمده که چهار پایه باشد و در یکد از کوه صفا براید این عباس درج بر  
 کوه صفا عصا گرفت و گفت که دایه الارض آواز این گرفت می شنود و بسیار عظیم الجثه شد  
 عیبه الدین عمر گفته که سر او بابرسد و پای او هنوز در زمین باشد و بقوی از ابی ترشح انصاری از  
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که دایه الارض سه بار خارج شود اول همین ذکر او در صحرا باشد  
 و در یکد ذکر او رسد باز در صحرا قریب مکه براید و ذکر او در کوه رسد سوم بار در کوه براید سر خود را از خاک افشان  
 و بر مردم گذرد و برستی که کسی از روی گریختن نتواند و سخن گوید مسلمان یا یامومن و کافر را گوید یا کافر و در  
 آمده که با وی عصای موسی و خاتم سلیمان باشد از عصبای موسی پیشانی مومن نکتد سفید نهد و لفظ سلیمان  
 نوشته شود و تمام روی او روشن شود مثل کوب درخشان و کافر را نکتد سیاه و خاتم سلیمان پیشانی  
 کند کافر نوشته شود و روی او سیاه شود و بعد از آن دم نشناسند و در بازار بگویند ای مومن فریختی  
 سید بی و در بعضی روایات آمده که خروج دایه الارض بحضور عیسی باشد عیسی مسلمانان بطواف می  
 که زمین برزد و صفا شکافته شود و دایه براید لیکن در صحیح مسلم آنست که اول آیات طلوع شمس از مغرب  
 و خروج دایه است چنانچه گذشت جلال الدین سیوطی گفته که بعد دایه الارض امر معروف و نهی منکر باقی نماند  
 و هیچ کافر بعد از آن ایمان نیارد و ترمذی از ابی سعید خدری روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم  
 فرموده قسم بکسی که جان من در دست اوست قیامت قائم نشود تا که سباع با آدمیان سخن گویند و دست  
 تا زیاده و شرک نعل کلام کند و در آن و خبر و بجزیری که زن او بعد او کرده باشد و مسلم از حد یقین  
 اسد غفاری از رسول صلی الله علیه و سلم روایت کرده که قائم نشود قیامت تا که ده چیز پیش از آن

بگمور آینه دغان و جال و دابة الارض و طلوع آفتاب از مغرب نزول عیسی علیه السلام و یا هج و یا هج  
و خست یکی در شرق دوم در غرب سوم در جزیره عرب آخر همه آتشی از زمین آید که مردم را بسوی مشرق  
یعنی زمین شام و در روایتی و هم با وی تند وزد که مردم را در دریا افکند و مسلم از ابی ذر از آنحضرت صلی الله  
علیه وسلم روایت کرده که طلوع آفتاب از مغرب و جال و دابة الارض هر گاه ظاهر شود بعد از آن که کان فر  
و توبه مقبول نباشد و بقوی و غیره از حدیث روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که علامت  
قیامت اول دغان است و نزول عیسی علیه السلام و خروج آتشی از غار عدنان که مردم را بسوی مشرق  
حدیفه گفت یا رسول الله دغان چیست آنحضرت این آیه خواهد یافت **فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي**  
**السَّمَاءُ بِدُحَانٍ مُّبِينٍ يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ** مردم دغان از مشرق  
تا مغرب در گیر و چهل شبانه روز باشد مسلمانان را مانند زکام رسد و کافران را حالت سستی  
روی دهد از بینی و گوش و در دغان بر آید و این مسعود و این غنی انکار کرده در صحیح بخاری است که این  
گفته که چون قریش از آنحضرت کمال بدی کردند آن حضرت دعا کرد قحطی محدی شد که مردم آنخوان خجری  
و از شدت گرسنگی آنها را از زمین آسمان دغان نظری آمد لیکن روایت حدیفه و غیره معلوم میشود که  
دغان هم از علامات قیامت باشد و بیه قال ابن عباس و ابن عمر و حسن بصری  
فصل قضیه دجال از رسول صلی الله علیه و سلم و صحیحین و غیره آمده که چشم راست او کور باشد و در  
بعضی روایات چشم چپ و در میان هر دو چشم او کافر مرقوم باشد هر کس از مسلمانان بخاند کاف  
باشد یا نباشد جوان باشد و زولیده موی از میان عراق و شام بیرون آید هفتاد هزار کس از یهود  
اصفهان با وی باشند هر سو فساد کند چهل روز باشد یکروز برابر سال روز دوم برابر ماه روز سوم  
بر بوفته دیگر ایام مانند سائر ایام مردم برسیدند یا رسول الله در آن روز که برابر سال باشد ما را از آنجا  
کفایت کند فرمودند اندازده کرده بخوانده باشد و مثل باد تند در زمین سیر کند بر جماعتی آید که من  
پروردگار شمام با من ایمان آرید آنها ایمان آرند پس آسمان را بگوید باران بار و زمین را بگوید  
زیارت پیدا شود و مواشی آنجا فربه و شیردار شود و بر قومی دیگر بگذرد آنها را همچنان گوید

طریق مشرق  
باشند در دنیا  
باید از آسمان  
دردی ظاهر کرد  
زودتر در دغان  
با این عذاب  
در دستان است  
درد و بین قاتل  
ست عبد الله  
بن عباس  
عبد الله بن عمر  
حسن بصری  
رضی الله تعالی  
عنهم و جمیع  
کتابهای بزرگی  
جلی در دغان

آنها سخن او را رد کنند پس با الهای شان بپلاک شود و بر زمین خرابه بگذرد و بگوید که خزانهای غم دبر  
 خزانهای زمین بشود و او کند مردی مسلمان پیش او آید پیشروان او گویند کجا میری گویند  
 این شخص که براده است آنها گویند که تو با پروردگار ما ایمان نداری گوید پروردگار ما پوشیده  
 گویند این را بکشید پس بعضی بعضی را گویند که پروردگار شما منع کرده است که بدون حضور من کسی را  
 نکشید پس او را حضور او بر نزد چون مرد مومن او را به بینه گوید این دعا هست که رسول صلی الله علیه و آله  
 از آن خبر داده بود پس دجال گوید این را بگیرید و بزنید او را بگیرند و بزنند و بگویند که ایمان من آرا گویند  
 که تو مسیح دجال هستی آن زمان مرا کند که او را از سر تا قدم از آزاره دوپاره کنند و خود از میان برود  
 بگذرد و پسترا را بگوید که برخیز از زنده شود و برخیز پس گوید که حالا ایمان من می تری مومن گوید که حالا  
 زیاده تر از او هستم که تو دجال هستی مومن گوید که ای مردمان حالا این چنین با کسی نخواهد کرد پسترا و او را  
 بگیرد و خواهد که هیچ کند حق تعالی گردن او از مسگر داند کار نکند پس دست و پایش گرفته بر تابد  
 داند که بسوی آتش بر تافته است و او بسوی جنت انداخته شود رسول الله صلی الله علیه و آله  
 فرمود که آنکسین رگتر باشد و شهادت نزد خدا و با دجال صورت جنت و نار باشد چیزی را که مردم  
 دانند جنم است و چیزی را که جنم دانند جنت است و در روایتی از روایات مذکوره در صحیح مسلم آمده  
 که دجال شخصی را طلب کند که جوانی در وی کامل باشد او را شمشیر زند و دو قطعه کند پسترا و را بخواند  
 و او بر خاسته بیاید از زمان بخندد و خوش شود و در همان حال عیسی علیه السلام هر دو دست بر  
 بازوهای دو فرشته نهاده بر مناره سفید شرقی دمشق فرو آید در حالیکه چون سرفرو کند قطره  
 از سرش افتد و چون سربالا کند از آن مثل دانه های مروارید فرو ریزد و کافرا اگر بسوی او رسند میزدند  
 و شمشیر را بیکه نظر او رسد پس در پی دجال شود و او را نزد باب عالم که دهیست نزد یک است افتد  
 در یابد و او را بکشند پس مسلمانان که از دجال محفوظ مانده بودند با عیسی جمع شوند و عیسی بر آنها  
 شفقت فرماید و بدرجات هشت بشارت دهد پس ناگاه حق تعالی بسوی عیسی وحی کند که بر او  
 از بندگان خود بندگان که کسی قدرت جنگ با آنها ندارد نگاهدار بندگان مرا بسوی طور پس حق تعالی

و شدید و آن نامی  
 است از آن  
 گفته اند تا در آن  
 از آن است  
 و بعضی گفته اند  
 و عیسی علیه السلام  
 و از آن بندگان



یا جمیع و حاج را فرستد که از هر بلندی بپستی می آیند پس مشروران آنها بر دریای طریقه بگذرند  
تمام آب آنرا بنوشند چون پس آیند گمان آنها آنجا بگذرند بگویند که اینجا گاهی آب باشد پس بپرسند  
آنها تا که رسند بمحل خبر که بوی ست نزد بیت المقدس پس بگویند که اهل زمین بکشیم باشد که اهل آن  
بکشیم پس تیر بسوی آسمان اندازند حق سبحانه تعالی تیرهای شان را پر خون بازگرداند و نبی اندیشی  
علیه السلام و یاران او محصور باشند تا آنکه کلاه و نیزه آنها بهتر باشد از صد و نیا نرزد و شاپس  
روی آرنجی بسوی یاران او بدعا بسوی خدا پس حق تعالی گرمی در گردنهای آنها پیدا کند پس همه آنها  
بمیرند پس عیسی و یاران او از طور بسوی زمین فرود آیند و یک وجب زمین از مرده را بر دلبوی با جوج حاج  
خالی نیابند باز عیسی و یاران او بجناب الهی دعا کنند حق تعالی جانوران زند بفرستد که گردنهای آنها  
مثل شتران سختی باشد آنها را بر داشته جانیکه خدا خواهد بیند از ند و کما آنها می تیر می ترکشهای شان  
آنقدر باقی ماند که تا هفت سال مسلمانان مسوخته باشند پس حق تعالی باران بفرستد که هیچ خانه از  
یا پارچه و پشم پناه از آن باران نتواند کرد پس تمام زمین را بشوید تا که صاف شود و مثل آینه نبین  
بفرماید حق تعالی زمین را که ثمرها و دیان و برکت باز دهد پس در آن روز یک انار آنقدر باشد که جماعتی  
بخورد و از پوست آن سایه کند و در مواشی آنقدر برکت شود که یک شتر ماده شیردار کفایت کند  
جماعات کثیره را و گاو ماده شیردار یک قبیله کلان را و بز ماده شیردار کفایت کند قبیله محرو را  
همچنین باشند تا آنکه حق تعالی باد پاکیزه بفرستد و مردم را از زیر غلها بگیرد و از آن باد همه مسلمانان  
بمیرند و کفار باقی مانند با هم خفاط کنند مثل خران برانها قیامت قائم شود و در صحیحین آمده که دجال  
از مشرق بقصد مدینه آید پس کوه احد فرود آید حق تعالی او را از دوحل مدینه محروم داشته تا که  
روی ملو را بسوی شام گردانند و آنجا هلاک شود و آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که هر که دجال  
در یابد آیات اول سوره که بعضی خواند از شر او امین باشد و بیستی از ابی هریره روایت کرده که  
دجال برخیزد میان دو گوش آن خربفتا و باع فاصله باشد باع مقدار قد آدم است و ده  
صحیح مسلم قصه تنیم داری است از آن معلوم می شود که دجال موجود است محبوب است

در جزیره دریای شام یا دریای یمن و دخول مکه و مدینه و جال را میسر نه شود  
 فصل در صحیحین از ابی هریره مروی است که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که قریب است که فرد  
 آید عیسی بن مریم حاکم عادلان شکنند صلیب پاک نصار آزمای پرستند و بکشند خوکان را یعنی  
 حرام کند خوردن آن موافق شرع محمدی و جزیه نهند بر نصار و غیره کفار از اینجا معلوم میشود که  
 نصار بکفر خود باشند و بعیسی گردیده نشوند و مال بسیار تقسیم کنند تا آنکه کسی قبول نکند و  
 یک سجده نزد مردم بهتر باشد از دنیا و اقیما و مسلم زیاد کرده که شتر ماده جهان را گدشته شود  
 کسی بروی سعی کند و عداوت و بغض و حسد در مردم نماند و مردم را برای گرفتن مال طلبیده شود  
 کسی قبول نکند و نیز مسلم از جابر روایت کرده که چون عیسی نازل شود ائمه ائمه اوقات بگوید که شما  
 امامت کنید و نماز کنانید بگوید بعضی شما بر بعضی امیر باشد برای اکر ام این امت و این جوزی از  
 عبدالله بن عمر روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که عیسی نازل شود و کما کند  
 و اولاد او پیدا شود و چهل و پنج سال باشد پستیزمید و با من در قبر من دفن کرده شود و در  
 قیامت من عیسی بر خیزیم در میان ابی بکر و عمر لیکن در صحیح مسلم از عبدالله بن عمر و از آنحضرت  
 صلی الله علیه و سلم مرویست که عیسی هفت سال باشد تطبیق این حدیث با حدیث سابق است  
 که بودن عیسی ازین چهل و پنج سال است از آنجمله سی و هشت سال پیش از رفتن یسوع است و هفت سال بعد از  
 فصل از ابی هریره و صحیحین و یست که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که پیش از قیامت و است  
 گنجی بیرون دهد از زریس کسی که آنجا حاضر باشد باید که بگیرد از آن روایتی در صحیح مسلم از ابی هریره  
 از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آمده که فرات کو بی از زری بیرون دهد مردم بروی جنگ کنند تا آنکه  
 از صد کس نود و نه کشته شوند و هر کس گوید شاید من باشم که نجات یابم و غیر مسلم از ابی هریره آنحضرت  
 صلی الله علیه و سلم روایت کرده که قتی کند زمین جگر گوشهای خود را مانند ستون تا از زردنقره بقیاس  
 حسرت کند و بگوید که برای این مال قتل کرده بودم و کسی که قطع رحم کرده بگوید که برای این مال قطع رحم  
 کرده بودم و دزد بگوید که برای این مال دست من قطع کرده شده پس طلبیده شوند مردم تا که بگیرند و کسی آنرا

از ابی هریره مرویست که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که قریب است که فرد آید عیسی بن مریم حاکم عادلان شکنند صلیب پاک نصار آزمای پرستند و بکشند خوکان را یعنی حرام کند خوردن آن موافق شرع محمدی و جزیه نهند بر نصار و غیره کفار از اینجا معلوم میشود که نصار بکفر خود باشند و بعیسی گردیده نشوند و مال بسیار تقسیم کنند تا آنکه کسی قبول نکند و یک سجده نزد مردم بهتر باشد از دنیا و اقیما و مسلم زیاد کرده که شتر ماده جهان را گدشته شود کسی بروی سعی کند و عداوت و بغض و حسد در مردم نماند و مردم را برای گرفتن مال طلبیده شود کسی قبول نکند و نیز مسلم از جابر روایت کرده که چون عیسی نازل شود ائمه ائمه اوقات بگوید که شما امامت کنید و نماز کنانید بگوید بعضی شما بر بعضی امیر باشد برای اکر ام این امت و این جوزی از عبدالله بن عمر روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که عیسی نازل شود و کما کند و اولاد او پیدا شود و چهل و پنج سال باشد پستیزمید و با من در قبر من دفن کرده شود و در قیامت من عیسی بر خیزیم در میان ابی بکر و عمر لیکن در صحیح مسلم از عبدالله بن عمر و از آنحضرت صلی الله علیه و سلم مرویست که عیسی هفت سال باشد تطبیق این حدیث با حدیث سابق است که بودن عیسی ازین چهل و پنج سال است از آنجمله سی و هشت سال پیش از رفتن یسوع است و هفت سال بعد از فصل از ابی هریره و صحیحین و یست که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که پیش از قیامت و است گنجی بیرون دهد از زریس کسی که آنجا حاضر باشد باید که بگیرد از آن روایتی در صحیح مسلم از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آمده که فرات کو بی از زری بیرون دهد مردم بروی جنگ کنند تا آنکه از صد کس نود و نه کشته شوند و هر کس گوید شاید من باشم که نجات یابم و غیر مسلم از ابی هریره آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که قتی کند زمین جگر گوشهای خود را مانند ستون تا از زردنقره بقیاس حسرت کند و بگوید که برای این مال قتل کرده بودم و کسی که قطع رحم کرده بگوید که برای این مال قطع رحم کرده بودم و دزد بگوید که برای این مال دست من قطع کرده شده پس طلبیده شوند مردم تا که بگیرند و کسی آنرا

از ابی هریره مرویست که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که قریب است که فرد آید عیسی بن مریم حاکم عادلان شکنند صلیب پاک نصار آزمای پرستند و بکشند خوکان را یعنی حرام کند خوردن آن موافق شرع محمدی و جزیه نهند بر نصار و غیره کفار از اینجا معلوم میشود که نصار بکفر خود باشند و بعیسی گردیده نشوند و مال بسیار تقسیم کنند تا آنکه کسی قبول نکند و یک سجده نزد مردم بهتر باشد از دنیا و اقیما و مسلم زیاد کرده که شتر ماده جهان را گدشته شود کسی بروی سعی کند و عداوت و بغض و حسد در مردم نماند و مردم را برای گرفتن مال طلبیده شود کسی قبول نکند و نیز مسلم از جابر روایت کرده که چون عیسی نازل شود ائمه ائمه اوقات بگوید که شما امامت کنید و نماز کنانید بگوید بعضی شما بر بعضی امیر باشد برای اکر ام این امت و این جوزی از عبدالله بن عمر روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که عیسی نازل شود و کما کند و اولاد او پیدا شود و چهل و پنج سال باشد پستیزمید و با من در قبر من دفن کرده شود و در قیامت من عیسی بر خیزیم در میان ابی بکر و عمر لیکن در صحیح مسلم از عبدالله بن عمر و از آنحضرت صلی الله علیه و سلم مرویست که عیسی هفت سال باشد تطبیق این حدیث با حدیث سابق است که بودن عیسی ازین چهل و پنج سال است از آنجمله سی و هشت سال پیش از رفتن یسوع است و هفت سال بعد از فصل از ابی هریره و صحیحین و یست که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که پیش از قیامت و است گنجی بیرون دهد از زریس کسی که آنجا حاضر باشد باید که بگیرد از آن روایتی در صحیح مسلم از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آمده که فرات کو بی از زری بیرون دهد مردم بروی جنگ کنند تا آنکه از صد کس نود و نه کشته شوند و هر کس گوید شاید من باشم که نجات یابم و غیر مسلم از ابی هریره آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که قتی کند زمین جگر گوشهای خود را مانند ستون تا از زردنقره بقیاس حسرت کند و بگوید که برای این مال قتل کرده بودم و کسی که قطع رحم کرده بگوید که برای این مال قطع رحم کرده بودم و دزد بگوید که برای این مال دست من قطع کرده شده پس طلبیده شوند مردم تا که بگیرند و کسی آنرا



تغیر و این بر دو حدیث بر از منتهی متعلقه حمل کرده شود شاید که در ابتدا برای گرفتن مال قتال کند و آخر کار کسی قبول نکند و الله اعلم و سلم از عبد الله بن مسعود و انس و غیره روایت کرده که قیامت نخواهد شد مگر به برترین خلق کسی در زمین الله الله بگوید بعد وفات عیسی مسلمانان از بادی لطیف بپسند و مردم شوند و منکرانشانند و شیطان تمثل شود و ببت پرستی و ولایت کند و لاث و غری و ذوالخلفه بپرسند آن زمان نفع صورت شود و هر که شود و گنج کند گردن را پس بپسند و الله اعلم نفع اول است که از آن بپسند و در حدیث آمده که نفع اول نفع نفع است که از آن نفع اهل آسمان در زمین و نفع و دشت آیند از آن نفع کوهها بپسند و مثل ریگ شده بریزند و زمین در لغزش آید چنانچه شستی در دریا میلزند و مردم از لغزش زمین مضطرب شوند و زمین خزان مردگان را که در زمین باشند بیرون افکند و زمان بار و بار استقاط کنند و بیجان و جانان پیرو ضعیف شوند و شیاطین از هول بگریزند بسوی اقطار زمین پس ملائکه رویشان را بزنند و باز گردانند و مردم بگریزند و بعضی بعضی را انداختند آن زمان زمین بشکافد و آسمان مانند در می شود پس بشکافد و ستارگان بریزند و شمس و قمری نور شوند این همه عذاب بر شرار خلق باشد و مردگان را ازین خبر نباشد بعدین حال چندی باشند پست حکم شود و اسرافیل را که باز در صور بدمه دران دم همه بپسند از انس و جن و شیاطین بعده ملائکه بپسند تا که باقی نمازد مگر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و حکم عرش پست حکم شود جبرئیل و میکائیل بپسند پست حکم عالمان عرش بپسند و عرش با حکم شود و اسرافیل بگیرد و اسرافیل میسر و حق تعالی بفرماید **إِنَّ الْمَلِكَ أَلِیُّمٌ** کسی جواب دهند نباشد خود بگوید **لَکَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ**

این نفعی است  
در شراب و رخن  
فی القرآن فکانت  
در دمه کالمان  
یعنی آسمان در آن  
در نفع و رنگ و  
مثل در نفع و  
پیش از این نفع  
همه بپسند  
پادشاهی است  
همه برای ضایع  
چنانچه غالب

**باب دوم در احوال روز بعثت و نشور که نچا و هر ساله باشد تا دخول جنه نما**

بعد نفع نماند یا اولی علی اختلاف الروایین چون چهل سال بگذرند باران عرش فرویزد و بر زمین چلند تا که آب بالای زمین دوازده گز شود و از آن آب حق تعالی اجساد مردگان را بر ویاند چنانچه سبزه از زمین میروید چون جسد های آدمیان کامل شود چنانچه بودن حق تعالی زمینی دیگر از فقره پیدا کنند

آسمانی دیگر ازند پیدا کند و مردگان را ازین زمین آن زمین اندازد و بر پشت زمین و در شکم زمین ستر  
 حق تعالی اول جامان عمرش را زنده کند پسر حق تعالی اسرافیل را زنده کند و صور از عرش بگوید  
 بر لب نند پستر جویل و میکاسیل و دیگر فرشتگان را زنده کند و ارواح را طلب نماید ارواح مومنان  
 بنور ایمان تابان و درخشان و ارواح کافران بظلمت کفر و معاصی سیاه همه راق حق تعالی در صور اندازد  
 پس حکم خدا اسرافیل صور بدارد و ارواح باین نفخه که دوم باشد یا سوم مانند محل از صور برانند و حکم الهی  
 هر یک روح در جسد خود داخل شود و از راه بینی و زمین شکاف و مردگان از زمین آیند رسول فرمود صلی  
 علیه و سلم اول کسی که از زمین آید من ششم پستر همه مومنان از قبور برانند مومنان قوت بر خاستن کنند  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ وَكَافِرَانِ قَتْلُ بَنِي  
 كُوزَيْنِ يَا وَيْلَتَا مَن مَّزَقَّنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ  
 هر جماعتی بر انگشته شود با اهل عمل خود صالحان با صالحان فاسقان با فاسقان کافران با کافران رسول  
 فرمود صلی الله علیه و سلم مبعوث کرده شوم من روز قیامت در میان ابو بکر و عمر پس بر ایمن بسوی  
 پقیع پس دم پقیع با من جمع شوند پستر بیابند بسوی من اهل مکة و مدینه و هر کس شکر کرده شود بر علی که  
 بران مرده باشد شیبیدان چون مبعوث شوند از زخمهای شان خون براید که در رنگ شل خون بلوی باشد  
 مشک باشد و هر که درج مرده تلبیه گویند بر خیزد و هر که در شراب خواری مرده درستی بر خیزد و همچنین  
 بر عمل نیک یابد و همچنین آمده که همه کسان بر بنه غیر مخنون بر خیزند اول کسی که پوشانیده شود و از بیم  
 علیه السلام باشد که دو پارچه سفید نفیس از بهشت پوشانیده شود پستر رسول کریم صلی الله علیه  
 سلم بهتر از آن پستر دیگر رسول و انبیا پستر پوشانیده شوند مومنان در بعضی احادیث آمده که مردگان  
 در همان پارچه که مدفون شدند بر انگشته شوند و بعضی گویند که آن شنیدان باشند که دو پارچه نهاد  
 مدفون شده بودند و شاید که همه مردگان در پارچه خود مبعوث شوند پستر آن پارچه دور شود و آنچه  
 گردند پستر هر یک موافق عمل او پوشانیده شود و بعضی گویند مراد از پارچه اعمال صالحه است حق تعالی  
 میفرماید وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَٰلِكَ خَيْرٌ پستر رسول صلی الله علیه و سلم بر براق سوار شود

لعل گنجش  
 عجب پستیش  
 خدای که در کرد  
 از اندوه آید  
 پسر و گار  
 آفرنده قدرش  
 ست از خج  
 صلح ای خدای  
 که نام خیر انداز  
 از خجگاه داین  
 همانست که وعده  
 دارد و صدای  
 گشت  
 در است  
 پیغام باین از خج  
 عده و لباس  
 دین از همه بهتر است

و حسنین بنی نادر رسول کریم سوار شوند پیستر متقیان را بر ناقه ای بهشت با نه نهامی طلا و مهارهای  
 سوار کرده بخشیده شوند و فاسقان را پیاده پابرند و کافران را بر رویهایشان کشیده بزند و در  
 حدیثی آمده که هرگاه مردم از قبور برانند عمل او بر صورت انسانی با دوی ملاقات کند عمل مسلمانان  
 نیکترین صورت و خوشترین بود و بگوید مومن را که مرا می شناسی گوید نمی شناسم مگر آنکه حق تعالی چه  
 خوش داده است ترا صورت و بگوید که همچنین بودی تو در دنیا من عمل صالح تو ام در دنیا بسیار  
 بر پشت تو سوار می کرده ام حالا تو بر من سوار شو **فَمِنْ خَشَرِ الْمُتَّقِينَ إِلَى الْوَحْشِ وَقَدْ أَوْفَى**  
 کنایه از آنست و عمل کافر بدترین صورت و بدترین بود و ملاقات کند و بگوید که مرا می شناسی  
 گوید نمی شناسم لیکن چه بد کرده است حق تعالی صورت تو و بوی تو بگوید همچنین بودی تو در دنیا  
 من عمل بد تو ام بسیار سوار می کردی تو بر من اکنون من بر تو سوار میشوم **وَمِنْ خَشَرِ الْوَحْشِ إِلَى الْوَحْشِ**  
**عَلَى ظُهُورِهِمْ** عبارت از آنست و چون از قبور روان شوند و تشنگان نویسندگان شکلی در دنیا  
 همراه باشند و شاید باشند برانها مسلمانان را بگویند **لَا تَحْزَنُوا وَكَاتِبُ الْجَنَّةِ**  
**الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُ** یعنی خون مکن و غم مخور و خوش باش بهشت که حق تعالی ترا وعده کرده  
 کافران و فاسقان بر صورت های زبون باشند تا بینا و بعضی بر صورت خوک یا سگ یا بوزینه  
 مانند آن باشند در با خواران مانند دیوزدگان استناد نمیتوانند و آنرا که مال بیتان بظلم خورده  
 چون از قبور برخیزند شعله آتش از دهان شان براید قال الله تعالى **يَا كَاكِبُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا**  
 مشکبان بر صورت مورچا باشند هر کس آنها را پایال کند و هر که بدون حاجت سوال کند چون  
 از قبر برخیزد بر روی او مضغ گوشت نباشد هر که بر قتل مسلمان بنیم کلمه نکند نوشته شود پریشانی  
 نا امید از رحمت خدا هر که بجانب کعبه بزلق انداخته براق او بر روی او باشد هر که دوزن داشته باشد  
 و عدل نکند روز قیامت یک پهلوی او افتاده باشد هر که در دنیا دوزبان باشد او را حق تعالی دوزبان بد  
 از آتش هر که مقدار یک جبه بین غضب کرده باشد حق تعالی آن زمین را تا هفت طبقه طوق در گردان  
 سازد همچنین اگر کسی از راه مسلمانان گرفته باشد هر که از مال غنیمت شتر یا اسب یا بز یا دیگر مال

بنا بر این که هر که در دنیا با حق تعالی  
 بسوی رحمت حق تعالی باشد  
 ملاقات کند و بگوید مومن را که مرا می شناسی  
 گوید نمی شناسم مگر آنکه حق تعالی چه  
 خوش داده است ترا صورت و بگوید که  
 همچنین بودی تو در دنیا من عمل صالح  
 تو ام در دنیا بسیار بر پشت تو سوار  
 می کرده ام حالا تو بر من سوار شو  
 کنایه از آنست و عمل کافر بدترین  
 صورت و بدترین بود و ملاقات کند و  
 بگوید که مرا می شناسی گوید نمی  
 شناسم لیکن چه بد کرده است حق تعالی  
 صورت تو و بوی تو بگوید همچنین  
 بودی تو در دنیا من عمل بد تو ام  
 بسیار سوار می کردی تو بر من اکنون  
 من بر تو سوار میشوم و کاتب الجنة  
 التي كنتم توعدها  
 کافران و فاسقان بر صورت های زبون  
 باشند تا بینا و بعضی بر صورت خوک یا  
 سگ یا بوزینه مانند آن باشند در با  
 خواران مانند دیوزدگان استناد  
 نمیتوانند و آنرا که مال بیتان بظلم  
 خورده چون از قبور برخیزند شعله  
 آتش از دهان شان براید قال الله  
 تعالى يا كاكبون في بطونهم نارا  
 مشکبان بر صورت مورچا باشند هر  
 کس آنها را پایال کند و هر که بدون  
 حاجت سوال کند چون از قبر برخیزد  
 بر روی او مضغ گوشت نباشد هر که  
 بر قتل مسلمان بنیم کلمه نکند  
 نوشته شود پریشانی نا امید از  
 رحمت خدا هر که بجانب کعبه بزلق  
 انداخته براق او بر روی او باشد  
 هر که دوزن داشته باشد و عدل نکند  
 روز قیامت یک پهلوی او افتاده  
 باشد هر که در دنیا دوزبان باشد  
 او را حق تعالی دوزبان بد از آتش  
 هر که مقدار یک جبه بین غضب کرده  
 باشد حق تعالی آن زمین را تا هفت  
 طبقه طوق در گردان سازد  
 همچنین اگر کسی از راه مسلمانان  
 گرفته باشد هر که از مال غنیمت شتر  
 یا اسب یا بز یا دیگر مال

خیاست کرده باشد آن مال را حق تعالی برگردنش سوار گرداند هر که زیاده از حاجت عمارت کرده باشد  
 تکلیف داده شود که این عمارت را بردوش خود بردارد هر که نکات مال نداده باشد نزد سیم او را با تنش دروغ  
 گرم کرده او را داغ داده شود و شتران گاوان و گوسفندان را اگر نکات نداده باشد آن جانوران تا  
 پنجاه هزار سال بروی بگذرند و او را پاپایل نمایند هر که حاکم باشد اگر چه برده کس حکم رانده باشد آورده شود  
 او را دست او برگردنش بسته اگر گنوی و عدل کرده باشد خلاصی یابد و اگر بدی ظلم کرده باشد طوق  
 برگردنش کرده شود هر که از مسئله سوال کرده شود و جواب بکند میداند و پوشیده دارد و از پیش  
 لگام داده شود و هر که در قرآن غیر علم چیزی بگوید او را هم از آتش لگام داده شود و اسلام و قرآن را عمل صالحه شفا  
 کنند و در ثواب قاریان قرآن آورده و پدرشان را حلما پنداشنیده شود و تاج بر سر نهاده شود رسول فرمود صلی الله علیه و آله  
 از آتش سه گزیر بگوید سبحان الله الحمد لله لا اله الا الله الله اکبر این را دنیا از این عبادت  
 کرده که روز قیامت دنیا را بر صورت پیر زنی سفید مو از رزق چشم که این نظر آورده شود و او را خلق  
 بینند و گفته شود که این را می شناسید مردم گویند نعم بالله من معرفة هذه گفته شود  
 که این دنیا است که بدان تفاخر میکردید و با هم حسد قطع رحم بینمودید و بغض میکردید پس او را در  
 دوزخ انداخته شود پس بگوید ای پروردگار ایتباع و پیروان من کجا هستند حکم شود که ایتباع و  
 پیروان او را نیز با وی میندازند شجر بر دوشش شود همچو روز معلومت چه که باکر باخته عشق و شربت  
 و بهقی از عباد بن الصامت و عمرو بن عبس روایت کرده که دنیا را آورده شود و آنچه در دنیا را  
 خداست آنرا جدا کرده شود و آنچه برای غیر خداست در آتش انداخته شود و آنحضرت صلی الله علیه و آله  
 فرمود سه چیز زیر عرش باشند قرآن و امانت و رحم و شفاعت کنند رحم گوید هر که وصل کرده الهی  
 با وی وصل کن و هر که قطع کرده الهی از وی قطع کن و در احادیث آمده که اسلام و اعمال و قرآن و امانت  
 و رحم و ایام دنیا و موت و مانند آن بر صورت اعیان محصور شوند بعضی علما تاویل میکنند و میگویند که از انحال  
 صورتهای خوب از اعمال بد صورتهای قبیح پیدا کنند و در میزان خنند و احیای کشفین همه احادیث را بر صورت  
 حمل میکنند لیکن بدان باید آورد و هم چیزی از آن تاویلات نتوان کرد و بحث از آن بسیار نمود

این کجاست  
 خداوند  
 از شما

فصل در کوزه چون مردم از قبور بر آیند تشنگی بر آید غالب باشد و بجز نمبر را در از روز حوضی باشد  
 هر امتی را علامتی باشد که نبی شان از ان علامت امت خود را بشناسد و سید المرسلین صلی الله علیه  
 سلم را حوضی باشد بنام کوزه یعنی خیر کثیر طول و عرض آن یکا به راه باشد آب آن سفید تر از شیر  
 شیون تر از عسل سرد تر از برف و خوشتر از مشک در آن آب کوزه تا باشند مانند ستارگان  
 زمین ادا از یاقوت و مرجان و زمره باشد و در آن دو میز آب نهشت افتند و علامت است  
 آن رسول صلی الله علیه و سلم آن باشد که روشنی باشند اعضا صافی و ضو از ایشان و علی بن ابی طالب  
 رضی الله عنه ساقی باشد بر کرا از آن آب داد آنکس باز تشنه نشود و بعضی علما گویند که در وقت  
 بر حوض بعد گذشتن از صراط باشد و بعضی پیش از حساب گویند و ظاهرا نیست که بعضی کرا یاقوت  
 بر خاستن از قبور داده شود و بعضی را بسبب محاسنی در آن وقت آب نداده شود و بعد خلاصی از دوزخ  
 پیش از دخول جنت داده شود تشنگی بر داشتن در صوم سبب خوردن آب کوزه باشد مشرکان را  
 آب کوزه نصیب نیست علما گفته اند که این میوه یعنی روافض و خوارج و معتزله و مانده شان  
 نیز از آب کوزه محروم باشند و اهل کبائر را بعد خلاصی از دوزخ آب کوزه رسد  
 فصل چون مردم بحشر جمع شوند دوزخ را آورده شود هفتاد هزار باگ بر هر باگ هفتاد هزار شفته  
 و قتی که دوزخ بر صد ساله راه از خلایق باشد بجنبه و حمله کند بقسمی که انبیاء و ملائکه از خوف و ی  
 برانویختند و نفسی نفسی گویند و رسول کریم صلی الله علیه و سلم امتی استی گوید حق تعالی فرماید  
 اُولَیْکَ اَیُّ مِنْ اَمْنِکَ لَا خَوْفٌ عَلَیْکُمْ وَلَا هُمْ یَحْزَنُونَ سر دخواهم کرد چشم تر از ریح است  
 یا محمد و آقا بنزدیک شود در آن روز بقدر یک میل و حرارت او زیاده کرده شود مردم در عرق  
 غرق شوند بقدر گنا یا نشان بعضی تا شتالنگ و بعضی تا زانو و بعضی تا کمر و بعضی تا دهن علما گفته اند  
 که این از خوارق آرزوست که در زمین برابر متفاوت در عرق غرق شوند و در آن روز سایه اعمال صالحه  
 باشد بسبب اعمال صالحه و دوام ذکر خدا و عدالت حاکمان و رحم بر ضعیفان و ترسیدن از خدا  
 و تعلم قرآن و محبت داشتن با صالحان خالصه کماله و حسن اخلاق و صلوات رحم و مانند آن در سایه عرش خدا باشد

سید دانشان  
 تا از امت تو  
 ترس کن  
 باین نشان دهن  
 اند دهن نبیند

کسانی که خالصا لله می واسطه قرابت و مانند آن با هم دوستی کنند و مردم را دوستی خدا دهند و با خدا  
 دوست سازند و در آن روز آنها را حق تعالی بر منبرهای نور نشانده که انبیاء و شهداء از آن غبطه کنند و کسانی که با حق تعالی  
 بمردم آموزند آنها را حق تعالی بر منبرهای نذر زیر قیما از سیم پنهانند که مرصع باشد و مردارید و یا قوت و پوشش  
 آن قیما از سیم است برقی باشد چون در آن روز مردم در عرصات و در عرق غرق و محبوس باشند و از  
 طول انتظار آرزو کنند که از آن مقام ربانی یابند اگر چه بدین رخ روند از زمان شفیع طلب کنند اول از آدم استر از نوح  
 پستتر از ابراهیم پستتر از موسی پستتر از عیسی شفاعت خواهند کسی از آنها در خود قدرت شفاعت نیابد انگار  
 پیش سرور کائنات رجوع نمایند آنحضرت بشفاعت بر خیزد و پیش عرش مجید آمده بر سجده کند آنگاه  
 فرشته بیاید و بگوید یا محمد چه میخواهی آنحضرت بگوید یا رب عده کرده بودی بمن بقبول شفاعت شفاعت من  
 قبول کن و در میان خلایق قضا کن حکم شود که شفاعت تو قبول کردم و برای قضای آیم رسول فرمود صلی  
 علیه و سلم پس همراه مردم با هم ناگاه آواز فرود آمدن شخوم اهل آسمان بمیان فرود آیند و زمین از آنها پر شود  
 از جن انس که در زمین باشند از همه شان افزود باشند و صف بسته بایستند پستتر اهل آسمان دوم  
 بسیار زیاده از اهل زمین اهل آسمان اول پستتر اهل آسمان سوم زیاده از دو همچنین جمیع اهل آسمان فرود آیند  
 هر یک زیاده از کسب پستتر حق تعالی نزول فرماید **قُلْ لِّمَنْ هِيَ النِّعَمُ** مراد از نزول و آمدن  
 شخومی از تجلی باشد پس حق تعالی در جانوران حکم بقصاص فرماید هر بی شاخ از شاخدار عوض گیرد و اگر  
 انسانی عصفه ری را عبث بکشد عصفور فریاد کند یا رب این شخص مرا بی فائده کشت نخورد  
 نه منفعت گرفت و نه زنده گذاشت در زمین تو رسول فرمود صلی علیه و سلم زنی بسبب گریه  
 در دوزخ رفت او را بسته داشت و طعام نداد و نه داگذاشت تا از حشرات زمین بخورد و بخفت  
 شتری را عاف نداد آنحضرت صلی علیه و سلم فرمود که این شتر با تو روز قیامت خصومت  
 خواهد کرد چون قصاص جانوران تمام شود حق تعالی بفرماید که خاک شوید همه خاک شوند کافر گوید کاشکی  
 بم خاک میشدم پس حق تعالی نوح علیه السلام را طلبید و بفرماید که پیام من بنی حق رسانیدی گوید  
 رسانیدم است او را طلب کند و گوید که نوح پیام من بشمار رسانیده آنها انکار کنند همچنین از دیگر انبیاء



وامتازشان سوال کند کافران بگرشوند حق تعالی از انبیا شهود طلب کند گویند امت محمد صلی الله علیه و آله  
 شایسته امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را طلب کند اینها شهادت دهند که انبیا راست میگویند و انبیا  
 که شما از چه انبیا هستید گویند که پیغمبر کتابی از تو آورد و خبر داد که انبیا بتلویح کردند حق تعالی بفرماید که راست  
 گفتید پیغمبر ما صلی الله علیه و آله و سلم گوای بدید صدق امت خود رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم که تسبیح عرض  
 شود روز قیامت اول آنکه کفار جدال کنند یعنی انکار کنند از کفر دوم حق تعالی بر آدم و دیگر انبیا  
 علیه السلام عذر تعذیب آنها را بپرسد و حجت بر ایشان قائم کند سوم آنکه نامه اعمال هر یک بدست بر  
 آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم میفرماید که نامه اعمال همه زیر عرش باشند حق تعالی بادی برگزید که نامه اعمال  
 هر یک پدید بدست او افتد مومنان را در دست راست کافران را در دست چپ انبیا پشت اول سطر  
 آن باشد **اقْرَأْ كِتَابَكَ تَكْفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا** یعنی بخوان نامه اعمال خود  
 کفایت میکند نفس تو بر تو حساب کننده و در دست آمده که خوشی است کسی که در نامه او استغفار بسیار  
 و اعضا علی انسان بردی شهادت دهند بر اعمال او و مکانها و زمانها بردی شهادت دهند از زمان  
 آدم علیه السلام را حکم شود که از ادلا و خود برای دوزخ جدا کن گوید چه قدر حکم شود که از هزار کس یکی  
 بهشت و نه صد و نود و نه بدوزخ و میزان قائم کند حق تعالی تا نیکی و بدی مردمان را و در آن سنجند  
 میزان انسان باشد آنچه در دست بگیرند و دویله باشد تقسیم که اگر آسمانها زمینها و در آن سنجیده  
 گنجایش دارد صاحب میزان جبرئیل علیه السلام باشد کافران را در میزان مطلقا وزن نباشد  
**حِطَّتْ أَعْمَالُهُمْ** در حق شان است در محجین از ابی هریره مروی است که رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم  
 آنکه آورده شود مردی فربه و تانزه و او را بقدر پرپشته وزن نباشد و این است خوانده **لَا يُقِيمُ لَهُمْ**  
**يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنَّهُمْ** در حدیثی دیگر آمده که جزای حسنات کفار در دنیا داده شود و برای آخرت  
 او هیچ حسنه باقی نماند مومنان را حسنات در یک پله ترازو نهاده شود و سیئات در یک پله و دهم  
 اگر سیئات از حسنات زیاده باشد اگر حق تعالی خواهد بخشید و اگر خواهد عذاب کند و اگر از سیئات  
 یک حسنه هم زیاده شود آن حسنه را حق تعالی فراخ کند و او را بهشت برتر از بهشتی از آن

لایق بود  
 حساب  
 به پند  
 برای نشان  
 روز قیامت  
 وزن را

روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که چون این آدم سجده شود اگر میزان او ثقیل شود  
فرشته ندا کند همه خلق شوند این شخص نیک بخت شد بد بخت هرگز نخواهد شد و اگر میزان او  
سبک شود بگوید که این کس بد بخت شد هرگز نیک بخت نخواهد شد در احادیث آمده **سُبْحَانَ اللَّهِ**  
**نُصْرَتِ الْمِيزَانِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ** بری میزان است **وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** مرا ج ترست از جمع خداوند  
**وَاللَّهُ أَكْبَرُ** همچنین در وصاح کسب میبرد و درود بر رسول صلی الله علیه وسلم فرستد و دیگر حنا  
موجب ثقل میزان اند و ذهبی از عمران بن حصین از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که سیاهی  
علما با خون شهیدان و زقیامت وزن کرده خواهد شد سیاهی علمای بنوعی شهیدان افضل باشد و ارجح  
و ابراهیم نخعی مرویست که مردی را در زقیامت در میزان حسنت کم دیده شود ناگاه مثل ابر یا در میزان  
آنند گفته شود این حسیت گفته شود که این آنست که مردم را علم آموخته و این چیز از جباری مانده  
و از ابی الدرداء مرویست که هر که اہمیت شکم و فرج باشد میزان او ناقص باشد و چون دم  
بمختر جمع شوند و کفار از مؤمنین ممتاز گردند و دوزخ محیط محشر باشد گردنی از آتش و وزخ از  
خزند و وزخ او را بکشند او بگوید قسم لعنت پروردگار من بگزارد مرا با ازواج من گویند ازواج کیستند  
گوید هر تنگبار زان فرمان پس بر چند آنها را چنانچه مرغ و اند می چیدند و در شکم خود کند و باز همچنین کند و گوید  
بگزارد مرا با ازواج من گویند کیستند ازواج تو گوید **كُلُّ خَنَاءٍ كَفُورٍ** یعنی عه شکن با سپاس  
آنها را بچیند و در شکم گیرد و باز مرتب سوئم همچنین کند و گوید بگزارد مرا با ازواج من گویند آنها کیستند  
گوید **كُلُّ خَنَاءٍ فَخْورٍ** یعنی معجب خود پسند فخر کننده و در حدیثی آمده که گردنی از آتش براید که  
آزاد و چشم باشند و زبانی فصیح و بگوید که من کرده شده ام برای کسی که با الله معبود دیگر و  
و بهر جبار عدا دکننده ناحق و کبسی که قتل کرده باشد نفسی را بغیر نفس پس آنها را بر چنین پیش از  
و گیر آدمیان بپا نصد سال و این مرجان در ارشاد گفته که چون آدم را حکم شود بفرستادن آدمیان  
بدوزخ هفت قسم از دوزخیان باشند دو قسم را گردنی از دوزخ براید و چربند چنانچه بوتر نه  
می چیدند اول آنکسان باشند که کافر باشند بخدا از راه تکبر و انکار و دوم آنقسم باشند که کافر باشند



بخدا از راه اجل و غفلت پیوسته گفته شود که هر کس که با خدا دیگر برپشتش که دست با معبود خود شود و آفتاب  
 سروی آفتاب آتش پرستان پیروی آتش و بت پرستان پیروی بتان کنند و آنها با معبودان  
 خود داخل دوزخ گردند و گویند که کان هوکاه الله ما ورد و هکلی یعنی اگر اینها معبود خود  
 داخل دوزخ نشدی پیتر جماعه چهارم آن باشند که خدا را یکی میدانند و انبیاء را نکذبت میکنند  
 در صفات الهی بر اجل نیستند چنانچه کفار یونان بت پرست قسم خاسن سادسین و نصاری با  
 دوازده شش لب باشند گفته شود چه حال دارند گویند شش لبیم ما را آب بهید گفته شود بروید  
 و اشاره کرده شود بدوزخ و دوزخ بصورت سراب آنها را بنظر آید و آن استند و بر وایتی آن  
 که چون عابدان پیروی معبودان کنند یک شش بصورت عیسی برای نصاری و یک شش بصورت  
 مؤثر برای یهود ظاهر شود و آنها پیروی او کنند و آنها را بدوزخ رسانند فقیر گویند ظاهر از یهود و  
 نصاری کسیکه پیشتش عیسی عزیز کرده در فرقه رابعه داخل دوزخ شوند و کسی که عیسی عزیز را  
 رسول دانستند و پیشتش آنها کردند و بسبب انکار نبوت محمد صلی الله علیه و سلم کافر شدند آنها  
 در فرقه خامسه داخل دوزخ شوند چون باقی نمانند مگر مومنان در میان شان منافقان باشند  
 حق تعالی ظهور کند و بفرماید مردم پیروی معبودان خج کردند شما هم پیروی معبود خود کنید آنها گویند  
 و الله که ما سوائه خدا و دیگر کسی را عبادت نکرده ایم حق تعالی بگوید که من پروردگار شما ام گویند  
 که منظریم ما که حق تعالی را بعلما که می شناسیم بینیم از زمان حق تعالی تجلی کند نهجی که از ان تعبیر فرمود  
 یَوْمَ يَكْشِفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعُوْنَ اِلَى السُّجُودِ و حکم کرده شود سجد و مومنان مخلص خود روند  
 و منافقان را پشته ها مثل شاخ های گاو سخت شوند و بر پشت افتند و سجد و نتوانند کرد و دوزخ  
 انداخته شوند پس مسلمان سوال کرده شوند و حساب کرده شود و اعمال شان را در میزان عدل سنجیده  
 اول سوال کرده شود از خونریزها مقتول گوید بار بار این پرس که مرا چرکشته حق تعالی بهر  
 حال انکه او را ترست غازی فی سبیل الله گوید که قتل کردم این را که عزت مرا باشد حق تعالی فرماید  
 راست گفتی و روی او را حق تعالی مثل آفتاب کند و فرشتگان مشایعت او کنند و بهشت را

زنی که کشته شود  
 اساق و خاند  
 سنجیده  
 سجد

دیگر قاتل گویشتم اورا تا که عزت مرا باشد حق تعالی فرماید هلاک شدی تو فرستاده شود بدوزخ پستتر در  
دیگر نظام حکم بعوض کرده شود تا آنکه کسی که در شیر آب انداخته فروخته است تحلیف دلو شود که شیر را از  
آب جدا کن سوال کرده شوند مردم از صحت بدن سمع و بصر و دیگر نعمتها که بجا صرف کردید و سوال کرده شوند  
از علم که بران عمل کردند یا نه و رسول فرمود صلی الله علیه وسلم علم را پوشیده ندراید خیانت در علم سخت ترست  
از خیانت در مال حق تعالی از ان سوال خواهد کرد و فرموده که مرد از جاه و مرتبه سوال کرده خواهد شد چنانچه مال سوال  
کرده خواهد شد از ان حاج و از اموال و مالیک و چون سوال کرده خواهد شد از اعمال اول از نماز سوال کرده خواهد شد  
و نماز را وزن کرده خواهد شد نماز را عند الله وزن است اگر در ان نقصان خواهد بود فرائض را بنوافل جبر نقصان  
کرده خواهد شد پستتر از کات پستتر دیگر اعمال در حدیث آمده اول در نماز نظر کرده خواهد شد اگر نماز بدرجه قبول  
در دیگر اعمال نظر کرده شود هر که امامت کند قومی را باید که از خدا ترسد و بداند که او ضامن است اگر بخوبی امامت  
اورا ثواب باشد مثل ثوابی بقتد یا ان هر چه نقصان کند برگردن وی باشد و از سه چیز سوال نکرده خواهد شد  
از بار چه که بدانستم عورت کند و از بار چه نان که گرسنگی دفع کند و خانه بقدریکه از گرمی شوی پناه  
و سوال کرده خواهد شد از آنکه با که دوستی کردی و با که نکریدی و با که دشمنی کردی و با که نکریدی حق تعالی  
خواهد فرمود هر که با دوستان من دوستی نکند و با دشمنان من دشمنی نکند او را رحمت من نرسد از با دشمنان  
و قاضیان و حاکمان و سرداران سوال کرده خواهد شد از عدل و حسن سلوک با رعیت و از زنان که دال  
و اولاد شوهر چه کرده و از بنده که در مال سید چه کرده و چون بنده از گناه توبه کند حق تعالی  
فرشتگان از ان گناه فراموشی دهد و همچنین جوارح او را و زمین را و غیره شهادت دهند گناه را  
فراموش سازد و اگر مستکمل را در دنیا مصیبتی رسد اگر خاری در پا او خلد او را موجب اجر داند و صبر  
کند آن مصیبت عوض گناهان شود و از جبر گناه در آخرت محفوظ ماند و بعد حساب و وزن اعمال  
اگر از حقوق الله چیزی برده و باقی ماند حق تعالی اگر خواهد عذاب کند و اگر خواهد بخشند و عیب  
احمد از ابی هریره روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که حق تعالی بنده مسلمان را روز قیامت  
از خود نزدیک کند و بگوید نامه اعمال خود بخوان چون برسد آید آن مرد خوش شود حق تعالی فرماید

۲  
ما لیک جمع  
مکتوبه فی علم



و آنچه در حدیث ابی ذر آمده که صفار ذنوب بروی عرض کرده شود و کبار پوشیده داشته شود  
 سغیش آن باشد که عوض صفار ذنوب حسنات داده شود و اگر احیاناً بزور تقدیر از پنجین کس  
 کبیره صادر شود آنرا پوشیده دارد و بخشش و آنچه از حقوق عباد اگر زمره کسی باشد هرگز بخشیده  
 بلکه حسنات مدیون بدائن مظلوم دمانیده شود و اگر حسنات او تمام شود و دیون حقوق مردم  
 بروی باقی مانند سیات و ائمان مظلومان بر مدیون و ظالم نهاده او را بدو زخ فرستاده شود  
 رسول فرمود صلی الله علیه و سلم نباشد که میری و دین کسی بر تو باشد و آخرت درم و دنیا را باشد  
 و عوض دیون حسنات داده شود و یا سیات سوی نهاده شود و فرموده که اگر در راه خدا کشته شود  
 و باز زنده شود و باز کشته شود داخل بهشت نشود تا که ادای دین نکند و فرموده که نامه اعمال  
 گنا مان سه باشد یکی بابت شرک هرگز بخشیده نشود دوم بابت حقوق الله حق تعالی در  
 بخشیدن حق خود پاک ندارد و سوم ظلم عباد و در آن قصاص شود بی شبهه و فرموده که مفلس  
 که نماز و روزه و غیره حسنات دارد یکی را دشنام داده است و دیگری را مال گرفته و  
 دیگری را خون ریخته و دیگر را زده است پس هر یک را حسنات او داده شود و چون از حسنات  
 هیچ نماند گنا مان مظلومان بروی نهاده او را بدو زخ انداخته شود ولیکن اگر حق تعالی فضل فرماید  
 خود از طرف مدیونان عوض داده مدیونان را از دائنان رهایی داند رسول فرمود صلی الله علیه  
 و سلم هر که مدیون شد و نیت ادای دارد و او را میسر نشد حق تعالی از طرف او ادا کند و اگر  
 در نیت او ادا نباشد قصاص حسنات و سیات کند و مهذا اگر دین بر او است و خود کرده باشد  
 البته ما خود شود و اگر بنا بر ضرورت یا برای تقویت بر جاد یا برای تعفف و زکاح یا برای کفین  
 مرده فقیر مسلمان مدیون شده باشد و نیت او او را و حق تعالی از وی ادا کند و اگر زیاده  
 بفضل کند مظلومان را با لغامات خوش کند تا که او را بخشند و او را با خود به بهشت برند  
 فصل بعضی مسلمانان را حق تعالی بغیر حساب به بهشت داخل کند و ایشان را از  
 حساب زد دارد و در صحیحین از ابن عباس مروی است که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم عرض کرده

بر من استماعی غیبی سابق با بعضی از پیغمبران یکم و موسی است و با بعضی دود و با بعضی کشتی  
 و با بعضی جاعتی است و دیدم سواد کثیر که افق را پر کرده و بر سر و همچنین سواد کثیر دیدم گفته شد که این  
 است تست با اینها هفتاد هزار کس باشند که بغیر حساب داخل بهشت شوند رسول فرمود صلی الله  
 علیه و سلم آنها کسانند که افسون نکنند و داغ نکنند و قطره نیندازند و بر خدا توکل کنند عکاش  
 رضی الله عنه گفت من هم از انجاء باشم غم خود باشی مودی دیگر گفت من هم باشم فرمود  
 عکاشه سبقت کرد و همچنین در صحیحین از ابی هریره و نزد مسلم از عمران بن حصین آمده و در حدیث  
 ابی امامه آمده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که مرا وعده کرده است پروردگار من که هفتاد هزار  
 هزار است تو بغیر حساب داخل بهشت شوند و با هر هزار کس هفتاد هزار کس باشند و سه حشیات از  
 حشیات پروردگار و حشی جزئی را گویند که در دو کف شخص آید و در حدیث ابی بکر صدیق نزد احمد  
 و غیره آمده که هفتاد هزار کس بغیر حساب داخل بهشت شوند و حشیان باشد ماه شنبه را هم باشند  
 ریاضه بگردم از خدا پس زیاده که روح تعالی با هر کس از آن هفتاد هزار کس هفتاد هزار کس در حدیث  
 آمده که کسانیکه خدا کند در راحت و رنج داخل بهشت شوند بغیر حساب و در حدیثی آمده که شصت و سه سید  
 داخل بهشت شوند بغیر حساب و در حدیثی آمده که شب خیزان در حدیثی اهل فضل و اهل صبر و متحابون فی  
 الله داخل بهشت شوند بغیر حساب اهل فضل کسانند که کسی بر آنها ظلم کند صبر کنند و کسی با ایشان  
 بدی کند یا ایشان را بخشنند و کسی با ایشان چل کند ایشان تحمل نمایند و اهل صبر آنها هستند  
 که بر طاعت خدا و از حصص صبر کنند و متحابون فی الله آنها که برای خدا با همه دوستی کنند  
 و بی دین و نیاه ملاقات نمایند و در احادیث آمده هر که در رنج و مصیبت صبر کند و هر که  
 در هیچ وجه نگیرد و اهل عز و اجسان و طالبان علم و زنی که فرمان بردار زوج باشد و دلگیری  
 بدین که اگر از قدر باشد که زنده دارد و طعام و قسم نتواند خورد و شراب و قسم ندارد و  
 بدینا رغبت دارد و کسی که از خوف خدا بگریه بغیر حساب داخل بهشت شوند و اصیبهائی از آن  
 روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم چون میرانها قائم شوند اهل نماز و اهل روزه

و اهل حج را ثواب داده شود میز آنها و اهل بلا آورده شوند میزان برای شان نهاده شود و نه  
 و قرا اعمال برای آنها گشاده شود و رخته شود و بر آنها ثواب بخیر حساب تا آنکه اهل عافیت بگفته  
 آنکه بدنه های شان در دنیا بقرضها بریده شد حق تعالی میفرماید **لَا تُلَاقُوا فِي الْقَبْرِ** و **أَجْرُهُمْ**  
**بِغَيْرِ حِسَابٍ** یعنی جز این نیست که داده خواهند شد صابران ثوابهای شان بخیر حساب بیشتر  
 کافران را حکم بدوزخ و مومنان را حکم بر رفتن بسوختن است شود مومنان را حق تعالی موافق  
 شان نور دهد بعضی کسان را نور باشد مانند کوه و بعضی را مثل درخت خرم و کمترین نور کسی  
 باشد که نور او در زر گشت پای او باشد گانجی بر شود و گاهی پوشیده و کافران منافقان  
 نور نباشد قال الله تعالی **وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَاُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ** و در بعضی احادیث  
 آمده که منافقان با هم نور باشد لیکن آن نور بر صراط منطفی شود و منافقان مومنان را گویند که  
 نظر کنید با ما هم از نور شمار و شنی گیریم مومنان گویند **وَجُودًا كَمْ فَاَلَيْسَ** **أُولَئِكَ** یعنی  
 باز گردید پس پشت خود جائیکه حق تعالی نور در مومنان تقسیم کرده اینجا نور طلب کنید یا آنکه در  
 دنیا روید اینجا ایمان و اعمال صالحه کسب کنید که این نور از ان است آنگاه مومنان را دیواری  
 مثل دیوار قلعه پیش آید در آن دیوار در باشد مومنان از آن در گذرند و منافقان بیرون  
 باشند اندرون آن دیوار حجت باشد نسیم بهشت و بیرون آن عذاب و دوزخ منافقان  
 مومنان را آواز دهند آیا ما شما نبودیم بر ملت اسلام مومنان گویند آری شما با ما بودید لیکن شما  
 نفس خود را فرستید یعنی کفر و مصیبت انداختید که عقائد فاسده و اعمال خبیثه اختیار نمود  
 ظاهرا در آیات و احادیث که دلالت دارند بر نبودن نور منافقان را مراد از منافقان آنکسند  
 که در باطن کفر دارند و بنا بر تقیه و استهزا کلمه شهادت میگویند آنها را نور نباشد که اصل نور  
 است و ایمان قلب تعلق دارد و در احادیث که دارد شده که منافقان را نور منطفی شود  
 مراد از اصحاب توحید از فرقهای مبتدعه باشد و افاض و خوارچ و متزله و مانند شان که  
 نور ایمان آنها از دود بدعت منطفی شود فائده رسول فرمود صلی الله علیه و سلم نماز نور باشد





و عده کرده بودی بود و دوزخ ماد دوزخ را ندیدیم حکم شود که چون شما از دوزخ گذشتید دوزخ سرد شد  
و طبری از بعضی بنامید وایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که دوزخ روز قیامت مسلمانان  
گویند که زود گذری موسی که نوزاد آتش را بر سر در کرده حدیث آمده که هر کس از اولاد او پیش از بلوغ مرده  
دارد دوزخ نشود و گمره گذرد و حدیثی آمده که هر که گلبانی مسلمانان کند از کفار برای خدا در دوزخ وارد نشود  
مگر تحله قسم در صحیح بخاری از ابی سعید خدری مروی است که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که چون یومئذ  
از آتش نجات یابند جسدها شوند بر پل که میان دوزخ و بهشت باشد پس قصاص گرفته شود بعضی را  
از بعضی در مقام چون میزان پاک شوند داخل بهشت شوند پس قسم کسی که جان محمد در دست اوست که هر که  
از شما خانه خود را در بهشت راه یابد چنانچه خانه خود در دنیا می شناسد علما در تفسیر این حدیث اختلاف  
کرده اند بعضی میگویند که این پل دیگر باشد بعد صراط و بعضی میگویند که بر کنار بهمان صراط بر آید  
قصاص با هم استاده کرده شوند و ظاهر آنست که این قصاص سوای آن قصاص باشد که پیش از  
صراط شده آن قصاص دخول دوزخ باشد و این قصاص بحسن باشد از دخول جنت تا وقتی که مذکور  
فصل جماعتی از مسلمانان چون از آتش دوزخ بسبب اعمال صالحه نجات یابند و بسبب بعضی قاص  
دخول جنت نتوانند کرد و قاصه که میان بهشت و دوزخ باشد مجوس باشند آن قاصه را اعراف گویند  
رسول فرمود صلی الله علیه و سلم اعراف سورت میان بهشت و دوزخ و اصحاب اعراف گنایگانند  
که مجوس باشند حکم خدا بر سر دیوار اعراف برآمده و دوزخیان را بسیار ردی و بهشتیان را بسفید ردی  
شناسند چون سوی این بهشت بینند دخول بهشت را طمع کنند و چون بسوی دوزخیان بینند از  
حال شان پناه جویند خدا آخر کار حق تعالی آنها را داخل بهشت سازد و قوله تعالی اَمْ هُمْ لَا يَعْلَمُونَ  
اَقْسَمُ بِاللَّهِ لَآ يَأْتِيَهُمْ بِالْحَمْدِ اَوْ يَدْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ  
و در حدیثی آمده که اصحاب اعراف مردان باشند که در راه خدا شهید شده باشند لیکن با فراموشی  
باشند بسبب شهادت داخل دوزخ نشوند و بسبب معصیت پدران داخل بهشت نشوند تا وقتی که گو  
دو چرب شان خشک شود آن زمان حق تعالی بر حمت خود آنها را داخل بهشت کند از این حدیث مستفاد است

راست که در جنت است  
سوره بقره آیه ۲۵  
و این را برین معنی  
است که شما را در جنت  
نشان دادیم که در جنت  
خاسته اند  
چنانچه در حدیث آمده  
و الله اعلم  
بشأنه  
و این را در حدیث  
نشان دادیم که در جنت  
خاسته اند  
چنانچه در حدیث آمده  
و الله اعلم  
بشأنه





و فرموده هر که ثابت باشد بر سخی مدینه و آنجا باشد برای او شهادت و شفع باشد  
 و فرموده هر که در مدینه یا کعبه بمیرد او را شفاعت کنم و فرموده هر که برای زیارت  
 من آید واجب باشد بر من شفاعت او و در روایتی آمده هر که زیارت قبر من کند واجب باشد  
 بر من شفاعت او و فرموده بسیار در دو بفرستید بر من بر وجهه و شب جمعه هر که چنین کند او را  
 شهادت باشد و شفع و فرموده هر که ده بار صبح و ده بار شام بر من در دو فرستد او را شفاعت من رسد  
 و فرموده بهترین کسان برای شفاعت من روز قیامت کسی باشد که در دو بر من بسیار فرستاده باشد  
 و فرموده که هر که بعد نماز این دعا خواند **اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَاجْعَلْهُ فِي الْمُصْطَفَيْنِ**  
**حَبِيبَتَهُ وَفِي الْعَالَمِينَ رَحْمَةً وَفِي الْمُقَرَّبِينَ حَادَةً** واجب شود او را شفاعت محمد صلی الله  
 علیه و سلم و فرمود که دو صنف باشند که آنها را شفاعت من نرسد روز قیامت یکی مخرجیه او دوم قدر  
 مخرجیه آن باشند که یقین کنند بمرگت و بگویند که مسلمان را هیچ گناه ضرر نکند چنانچه کافر را هیچ حسنه  
 فائده نکند و قدریه منکر شفاعت اند و میگویند که صاحب کبیره بدون توبه بخدا فی النار باشد و فرمود  
 که دو مرد را شفاعت من نباشد یکی با دشاه ظالم دوم آنکه در دین از شرع تجاوز کند و بر اید یعنی اهل ابواب  
 مثل روافض و خوارج و مانند آنها و فرمود که جدال بگزارید جدال کننده را شفاعت من رسد یعنی آنچه  
 خدا و رسول بفرماید آنرا قبول باید کرد و در آن جدال نباید کرد و فرمود اول شفاعت کننده و شفاعت  
 قبول کرده شده من باشم و فرمود اول شفاعت انبیا باشد پسر شفاعت صدیقان پسر شفاعت شهدا  
 و بروایتی اول شفاعت انبیا پسر شفاعت علما پسر شفاعت شهدا پسر شفاعت مؤذنان فرمود عالم  
 و عابد حاضر شوند عابد را گفته شود که داخل بهشت شو و عالم را گفته شود که بایست تا شفاعت کنی  
 از ابن عمر مرید است که گفته شود عالم را که شفاعت کن در شاگردان خود اگر چه عدو ستارگان باشند و  
 فرمود رسول صلی الله علیه و سلم که شهید شفاعت کند در بهشت و کس از اهل بیت خود و فرمود که حاجی که در  
 چهار صد کس از اهل بیت خود شفاعت کند و فرمود که مردی شفاعت کند برای یکم و مردی برای دویست  
 سکه روز قیامت و مردی باشد که شفاعت او زیاده از بنی تمیم و مثل ربیع و مضر داخل بهشت شوند

این دعا را در روز  
 و در میان دعا و در  
 روز یکشنبه خواند  
 و در میان دعا و در  
 روز یکشنبه خواند  
 و در میان دعا و در  
 روز یکشنبه خواند  
 و در میان دعا و در  
 روز یکشنبه خواند  
 و در میان دعا و در  
 روز یکشنبه خواند



که باز برود و هر که در دل او بقدر دنیا را بماند باشد و بر او براید پس بیرون آرند خلقی کثیر را باز حکم شود که برود  
و بر او کسی را که در دل او مثل مورچه یا سار باشد پس بر او خلقی کثیر را از دو بگیند یا رب حالا گنند ششم در دو سج  
هیچ چیز پس حق تعالی بفرماید که فرشتگان شفاعت کردند انبیا شفاعت کردند مسلمانان شفاعت کردند  
و باقی مانند مگر ارحم الراحمین فَيَقْبِضُ قَبْضَةً مِّنَ الشَّارِ یعنی حق تعالی یک قبضه از دوزخ بگیرد  
پس بر او قومی را که گاهی هیچ عمل نیک نکرده است مثل انگشت شده است پس پس میزد و حق تعالی آنها را در  
نهری بر روی هشت آنرا نه هفت گویند پس این پنج نخه دانم می رود در پیل پس بر ایند مثل دانه و در  
در دهنهای شان مهر باشد این هشت گویند که اینها آزاد کرده خدا اند و باقی ماند یک در میان دوزخ و  
بهشت روی او بسوی دوزخ باشد سوال کند از خدا که روی من از دوزخ بگردان حق تعالی فرماید که چرخ  
دیگر سوال نکنی او عهده کند که نگنم حق تعالی روی او بسوی بهشت کند و از گی جنت بیند مدتی خاموش ماند  
باز گوید که مرا نزد یک دروازه بهشت کن حق تعالی فرماید که تو عهده کرده بودی که دیگر سوال نکنم باز از او عهده  
که دیگر سوال نکنم و بر دروازه بهشت بر مدتی آنجا خاموش باشد باز سوال کند دخول بهشت را حق تعالی فرماید  
عهده کرده بودی که سوال نکنم او گوید آئی مرا بهشت ترین خلق مکن دعا کرده باشد تا که حق تعالی بخندد و او را ربه  
و بفرماید که آرزو کن آرزو کن تا که منقطع شود آرزو او حکم شود که آنچه آرزو کرد می تر با باشد و چند زیاد از آن  
فصل رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که رحمت راح حق تعالی صد حصه کرده یک حصه در جمیع خلایق تقسیم کرده  
و نود و نه حصه نزد خود داشته که روز قیامت دوستان خود را خواهد کرد و فرمود که قسم بخدا آنقدر رحمت خواهد  
که انبیس اسد و ارسوز و شیر رحمت او تعالی قاریان قرآن علماء را باشد حق تعالی میفرماید ثُمَّ اَوْفَرْنَا  
الْكِتَابَ الَّذِي نَصَّطَقْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَنَمْنَم ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَفَنَمْنَم مُقْتَصِدٌ وَفَنَمْنَم  
سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بِإِذْنِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ فَجَنَاتٌ عِلَالٌ يَدْخُلُونَ  
یعنی بعد انبیا میسابق و ارث کتاب کردیم کسانی را که برگزیدیم از بندگان و پس بعضی از آنها ظالم باشند  
بر نفس خود و بگنایان و بعضی از آنها مسامانه رو باشند و بعضی از آنها سبقت گرفته باشند بیکبیا باذن خدا  
همین است فضل بزرگ شتمانی پیشه را داخل شوند که نه را در آن جاری باشند پس از فرمود صلی الله علیه و سلم

اینکه هر که در دل او بقدر دنیا را بماند باشد و بر او براید پس بیرون آرند خلقی کثیر را باز حکم شود که برود  
و بر او کسی را که در دل او مثل مورچه یا سار باشد پس بر او خلقی کثیر را از دو بگیند یا رب حالا گنند ششم در دو سج  
هیچ چیز پس حق تعالی بفرماید که فرشتگان شفاعت کردند انبیا شفاعت کردند مسلمانان شفاعت کردند  
و باقی مانند مگر ارحم الراحمین فَيَقْبِضُ قَبْضَةً مِّنَ الشَّارِ یعنی حق تعالی یک قبضه از دوزخ بگیرد  
پس بر او قومی را که گاهی هیچ عمل نیک نکرده است مثل انگشت شده است پس پس میزد و حق تعالی آنها را در  
نهری بر روی هشت آنرا نه هفت گویند پس این پنج نخه دانم می رود در پیل پس بر ایند مثل دانه و در  
در دهنهای شان مهر باشد این هشت گویند که اینها آزاد کرده خدا اند و باقی ماند یک در میان دوزخ و  
بهشت روی او بسوی دوزخ باشد سوال کند از خدا که روی من از دوزخ بگردان حق تعالی فرماید که چرخ  
دیگر سوال نکنی او عهده کند که نگنم حق تعالی روی او بسوی بهشت کند و از گی جنت بیند مدتی خاموش ماند  
باز گوید که مرا نزد یک دروازه بهشت کن حق تعالی فرماید که تو عهده کرده بودی که دیگر سوال نکنم باز از او عهده  
که دیگر سوال نکنم و بر دروازه بهشت بر مدتی آنجا خاموش باشد باز سوال کند دخول بهشت را حق تعالی فرماید  
عهده کرده بودی که سوال نکنم او گوید آئی مرا بهشت ترین خلق مکن دعا کرده باشد تا که حق تعالی بخندد و او را ربه  
و بفرماید که آرزو کن آرزو کن تا که منقطع شود آرزو او حکم شود که آنچه آرزو کرد می تر با باشد و چند زیاد از آن  
فصل رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که رحمت راح حق تعالی صد حصه کرده یک حصه در جمیع خلایق تقسیم کرده  
و نود و نه حصه نزد خود داشته که روز قیامت دوستان خود را خواهد کرد و فرمود که قسم بخدا آنقدر رحمت خواهد  
که انبیس اسد و ارسوز و شیر رحمت او تعالی قاریان قرآن علماء را باشد حق تعالی میفرماید ثُمَّ اَوْفَرْنَا  
الْكِتَابَ الَّذِي نَصَّطَقْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَنَمْنَم ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَفَنَمْنَم مُقْتَصِدٌ وَفَنَمْنَم سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بِإِذْنِ اللَّهِ  
ذَٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ فَجَنَاتٌ عِلَالٌ يَدْخُلُونَ  
یعنی بعد انبیا میسابق و ارث کتاب کردیم کسانی را که برگزیدیم از بندگان و پس بعضی از آنها ظالم باشند  
بر نفس خود و بگنایان و بعضی از آنها مسامانه رو باشند و بعضی از آنها سبقت گرفته باشند بیکبیا باذن خدا  
همین است فضل بزرگ شتمانی پیشه را داخل شوند که نه را در آن جاری باشند پس از فرمود صلی الله علیه و سلم

سابقه داخل نشت شوند بفرمایند میان روای حساب سپهر شود و ظالمان در طول محشر عیوبشان بدست حشر  
 آنها را ملافی کند بگوید **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَذْهَبَ عَنَّا الْغُرُورُ** آن دینا لغفور شد که  
 و فرمود که حق تعالی علما را فرماید که من علم خود دشمنان داده بودم مگر آنکه اراده مغفرت میدادم برای شما بر هر چه شما اید و با  
 فائده بهترین مسلمانان نزد خداست و فرقی اندر شهدا که جان خود را در راه خدا بذل کردند و دوم علما که عقل  
 و حواس خود را در راه خدا بذل کردند سوم اسخیا که مال خود را در راه خدا بذل کردند لیکن اخلاص شرط است  
 که نیت خالصا باشد و گرنه اول بد و زرخ روند مسلم از ابی هریره روایت کرد که رسول فرمود صلی الله  
 علیه وسلم اول کسی که حکم کند بروی حق تعالی شهید باشد حق تعالی گوید که چندین نعمت بتو دادم تو  
 چه عمل کردی گوید که در راه تو شهید شدم فرماید که دروغ گفتی قتال کردی برای آنکه مردم ترا جری و شجاع  
 پس گفته شد حکم شود که او را کشیده بد و زرخ اندازند و دوم عالم که حق تعالی نعمتها با داده پرسد که چه  
 عمل کردی گوید که برای تو علم آموختم و مردم را تعلیم کردم و قرآن خواندم و خوانانیدم حق تعالی فرماید که دروغ  
 گفتی بلکه تعلیم و تعلم کردی تا که ترا مردم عالم و قاری گویند پس گفته شد حکم شود بد و زرخ انداخته شود و سوم  
 مردی که او را حق تعالی مال داده او بر صنف مال مردم بخشیده چون نعمتها خدا با داده از او پرسد  
 چه عمل کردی گوید که در راه تو مال بر صنف خرج کردم حق تعالی فرماید که دروغ گفتی نمیدادی مردم را  
 مگر تا که ترا جواد گویند و گفته شد حکم شود بد و زرخ انداخته شود پس در هر عمل نیت خالصه است  
 شرط قبول است رسول فرمود صلی الله علیه وسلم **إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ** عمل معتبر نیست مگر به نیت  
**فصل الإيمان بين الخوف والرجاء** ابو نعیم از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول فرمود  
 صلی الله علیه وسلم که یکی را از انبیای بنی اسرائیل وحی شد که طاعت کنندگان مرا بگو که بر عمل خود تکیه کنند اگر  
 بنده را حساب کنم و خواهم که او را عذاب کنم البته او را عذاب کنم یعنی در حساب کسی نمی توان براند بگوگان بگوگان  
 که از رحمت خدا ناامید نشوند که من گناهان کمیره را نمی بخشم و باک ندارم و طبری از او ثابین اسقع روایت کرد  
 که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که روز قیامت بنده باشد که هیچ گناه نکرده حق تعالی از او گوید چه میخواهی  
 اگر خواهی حساب اعمال ترا جواد هم و اگر خواهی بفضل خود او گوید آئی تو داناتری من گناهی نکرده ام نگاه کن

عبدستاین  
 خدای را که بر دانا  
 اندوه را بشک  
 پروردگار با هر آنچه  
 بخشده و قدرش است

بیان و بیان  
 جزو است

که نعمتی را از نعمتهای سن مقابل عمل او کنید ادنی نعمت از نعمتهای خدا همه اعمال او را فرایند آنگاه آن بندگی  
 الهی افضل و رحمت خود را بخش و بزار از انس رضی الله عنه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود  
 و فاتر سه اندکی و فقر حنات دوم و فقر سیات سوم و فقر نعمتهای خدا اگر خدا حکم کند ادنی نعمت نیکو  
 و گیرد و گناهان باقی مانده و اگر فضل فرماید گناهان را و نعمتهای را بخش و حسنات را مضاعف کند

## باب سوم در صفت جهنم و عذاب کفار لغو ذابند منها

طبرانی از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت کرده که جبرئیل نزد آنحضرت صلی الله علیه و آله متغی اللو  
 آنحضرت پرسید که چه حال است نیامده ام نزد تو مگر بعد آنکه حکم فرمود حق تعالی بکلیه با جهنم یعنی تمام  
 دیده آمده ام فرمود و صف کن برای من آتش را گفت حق تعالی امر کرد تا آتش هزار سال افروختند تا  
 سفید شد پستری هزار سال دیگر افروختند تا که سرخ شد پستری هزار سال دیگر افروختند تا که سیاه شد پس  
 آن سیاه و تاریک است روشن نیست شر آن و کم نمیشود و سوزش آن قسم کسی که ترافستاده است  
 حتی که اگر سوراخی شود و از دوزخ بقدر سوزن اهل زمین بهیمیرند از گرمی آن اگر فرشتگان عذاب در جهنم  
 ظاهر شود کسی از آنها بسوی دنیا و اهل زمین آید و ببینند بهیمیرند از زشتی روی او و بد بوی او و اگر حلقه  
 از زنجیر دوزخیان که در آن مذکور شده نهاده شود بر کوهها دنیا بر آینه فرو رود تا زمین سفلی هرگاه حتی  
 دوزخ را رسیده کرده و لهامی ملائکه از دهمشت آن پدیدند چون آدم علیه السلام مخلوق شد و لهامی  
 و اگر گرفت در تحقیق است که آنحضرت فرمود که هر چند در دوزخ خلق انداخته شود دوزخ هکلی من جبرئیل  
 گوید تا که رب العزت در آن قدم نهاند آن زمان بعضی از ان بسوی بعضی پیچد و گوید پس بس و دوزخ در  
 سفلی است یعنی زیر زمین و بهشت بالای آسمان هفتم از و رب بن منبه و نیست که چون قیامت  
 قائم شود خلق که پوشش سقر است از سقر دور شود و از آن آتشی بر آید و دریا که بر جسم مطبق است  
 و حاجز است میان جهنم و بهشت طبق زمین چشم زدند افروخته کنند همانست مسجد  
 فصل جهنم را هفت در که است و هفت درستی یکی بالای دیگری و بر هر در جماعتی است قیامت

۹۷  
 از این باب  
 در جهنم



اول شان چشم است در آن عذاب کبر است بر گنهاران بر امت پست تر از آن نظمی از آن پست سحر  
 از آن پست خطر زیر آن سقر زیر آن چشم پست تر از قویه منافقان درود که اسفل باشند از دوزخ مسلمان  
 را باید که همیشه از دوزخ نجات سبحانه پناه جویند از مجاهد مرویست که بنده را امر کرده شود که در دوزخ اندازند  
 و دوزخ با هم چیده گفته شود که چه حال است و دوزخ گوید که این مرد از من پتو پناه میجست حکم شود که این را  
 بگذارند پیغمبری روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم نمی خفت تا که تبارک و حشر سجده  
 نمی خواند و فرمود که حشر تا هفت اند و در می جنم هم هفت اند حشر سجده از آن روز قیامت  
 بر روی از در می جنم بایستد و بگوید که الکی داخل نشود ازین در یک سیکه با من ایمان شایسته و مرا می خواند  
 فصل موکلان جنم نوزده فرشته اند مالک رئیس آنهاست هزار سال پیش از خلقت جنم مخلوق شدند  
 و هر روز قوت شان زیاده میشود و هر یک از آن آنگاه هست که در میان دو شان نود و صد ساله است  
 و در دلهای شان حمت مخلوق نشده و با هر یک از آن گزشت و مالک را انگشتانست بعد و همه دوزخیان  
 کسی در دوزخ نیست که مالک او را یک انگشت خود عذاب نکند و قلمی گفته نوزده مرد و از آن موکلان  
 جنم بشمارند و ویل و او نیست و جنم عمیق که کا و در روی تا چهل سال فرود میرود پیش از آنکه در قعر او رسد و در او  
 که در روی دم دوزخیان جاریست و صعود و کوهیست و جنم در هفتاد سال جنمی با علای آن رسد و باز از آنجا  
 نروانند همچنین تا ابد باشد و در روایتی آمده که صعود و کوهیست که اگر مردی است رسد که از شود و چون دست برد  
 زد دست درست بشود و همچنان فرود می رسد و صلی الله علیه و سلم که اگر سنگی بوزن ده درم از لب جنم انداخته شود  
 تا هفتاد سال پایین آید و رسد و در نهایت آن غنیست و اتمام و آن هر دو نفر اند از یم دوزخیان و موبقی  
 ادی عمیق است روز قیامت فاصل باشد در میان سلیمان و کفار از اهل دوزخ و صحیحین است که دوزخ شکایت  
 رده بسوی پروردگار خود و گفت که از شدت حر بعضی از این بعضی را خورده حکم شده او را بدو دم  
 می بسردی که از سردی او در دنیا سر می شود و دومی بگری که از گرمی او در دنیا گرما می شود  
 فصل کافران را پاره چنان آتش باشد و نیز بر پهنای آن گسلانده شده شد به الحار و سبب بن بنی که  
 دوزخ را پوشاک باشد و برنگی برای شان بهتر است از پوشاک حیات باشد و موت برای شان بهتر است

از حیات و برای دوزخیان ش باشد و لحافها از آتش دوزخیان زنجیر باشند که بفتادند و گزطل آن زنجیر باشد  
 بر گردان میفتادند و باغ بهر باغ مقدار را برین که و کوفه اگر تمام آهن دنیا جمع کرده شود و بسیک حلقه زنجیر دوزخیان  
 آن زنجیر را از دوزخ انداخته داخل کرده و از دهن بر آورده بر دوش پیچیده شود و جسم بالا می رسد کافر زنده شود پس بر سر دشمن  
 و فروریزد و آنچه در شکم باشد در قدش باز بچکان درست شود و باز جسمی بر سرش نهاده شود و طعام دوزخیان قوم  
 باشد اگر قطره ازان در دریا افتد زندگانی اهل دنیا فاسد کند و قوم درختی باشد از شدت گر سنگی آدمی  
 از وی بزدان گیرد آن درخت از آدمی جدا می گردد و گیره گیرد و نیز طعام دوزخی ضریح رسول فرمود صلی  
 علیه و سلم ضریح چیست در دوزخ ش به خار تلخ تر از صبر و بدتر از جیغ و گرم تر از آتش و قستی که بخورد  
 صاحب او نه در شکم فرود و نه از دهن بر آید گلو گیر باشد نه فرزند و نه گر سنگی دور سازد و نیز طعام دوزخیان  
 غسلین باشد یعنی ریم دوزخیان و شراب شان جیم باشد یعنی آب در غایت گرمی و خساق یعنی آب سرد  
 موزی در غایت سردی و در حدیث آمده که اگر یک دوزخ خساق در دنیا افتد تمام دنیا بدو شود و از آب  
 در یست که خساق چشمه ایست در دوزخ که در آن زهرهای تمام جانوران زهر دار باشد ایشان را  
 در آن غوطه داده شود گوشت و پوست از استخوان جدا شده در پای افتد و آخر مثل بار چوب کشد نزدیکی  
 از ابی الدرداء روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم هر کس سنگی بر کافر غالب کرده شود و دهدی که  
 برابر همه عذابها باشد پس فریاد کنند و طعام خواهند طعام داده شود که در گلو بسته شود پس بگویند که دنیا  
 از آب طعام را از گلو فرو می بردند فریاد کنند و آب خواهند پس جسم بگلو بهای آهنی نرود و آهنی شان کرده شود  
 از گرمی آب روی شان بریان شود چون در شکم داخل شود آنچه در شکم از امعاست قطع کند آنگاه خازنان  
 دوزخ را گویند دعا کنید از پروردگار که کافر را از عذاب کم کند خازنان گویند که رسولان زو شما نیامده اند  
 گویند که آمده بودند خازنان گویند شما دعا کنید نیست دعای کافران مگر در گریبی یعنی ناقبول است مالک  
 گویند ای مالک دعا کن که حق تعالی ما را بمیراند مالک بعد از سال جواب داد که شما همیشه در عذاب هستید  
 آنگاه از حق تعالی دعا کنند ای پروردگار ما بدستی ما غالب شد و ما قوی گمراه بودیم ما را از دوزخ برادر  
 باز کفر کنیم ظالم باشیم حق تعالی جواب داد **لَا تَكْفُرُوا** یعنی دور شوید در دوزخ و سخن گویند آنگاه

باغ مقدار سنگی  
 هر دو دست

از ابی الدرداء روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم هر کس سنگی بر کافر غالب کرده شود و دهدی که برابر همه عذابها باشد پس فریاد کنند و طعام خواهند طعام داده شود که در گلو بسته شود پس بگویند که دنیا از آب طعام را از گلو فرو می بردند فریاد کنند و آب خواهند پس جسم بگلو بهای آهنی نرود و آهنی شان کرده شود از گرمی آب روی شان بریان شود چون در شکم داخل شود آنچه در شکم از امعاست قطع کند آنگاه خازنان دوزخ را گویند دعا کنید از پروردگار که کافر را از عذاب کم کند خازنان گویند که رسولان زو شما نیامده اند گویند که آمده بودند خازنان گویند شما دعا کنید نیست دعای کافران مگر در گریبی یعنی ناقبول است مالک گویند ای مالک دعا کن که حق تعالی ما را بمیراند مالک بعد از سال جواب داد که شما همیشه در عذاب هستید آنگاه از حق تعالی دعا کنند ای پروردگار ما بدستی ما غالب شد و ما قوی گمراه بودیم ما را از دوزخ برادر باز کفر کنیم ظالم باشیم حق تعالی جواب داد **لَا تَكْفُرُوا** یعنی دور شوید در دوزخ و سخن گویند آنگاه



در نزد حضرت باشند در روایتی آمده که این جواب بعد مدت عمر دنیا شنیده و در روایتی آمده اهل دوزخ را  
 پنج دعا باشد اول گویند ای پروردگار مرده کردی ما را و بار زنده کردی ما را و بار اقرار کردیم بگناه  
 خود آیا ما را باشد را بهی بسوی برآمدن از دوزخ جواب و بد حق تعالی این عذاب از انست که چون مرد  
 توحید میکردند شما اعتقاد بشرک میداشتید و شرک میکردید پس حکم مرگدار است نه دیگری را باز نماند  
 کنند آنگاه ما دیدیم و شنیدیم ما را باز بدینا بفرست تا عمل کنیم بیکو جواب یا بنده چشید این عذاب را  
 شما فراموش کرده بودید این روز را شما را فراموش کردیم چشید عذاب را همیشه سبب اعمال خود باز  
 گویند ای پروردگار فرصت ده ما را تا تا قریب یعنی اندک در دنیا قبول کنیم دعوت ترا و پیردی کنیم رسولان را  
 جواب و بد خدا آیا نبودید شما که قسم بخوردید که شمار زوال نباشد باز گویند ای پروردگار ما را از دوزخ باز  
 عمل نیک کنیم غیر آنچه عمل میکردیم حق تعالی فرماید آیا عمر نماده بودیم شمار در دنیا آنقدر که دیگران در آن عمر نهند  
 بد فرستند و آمدند نزد شمار رسولان ترساننده از عذاب خدا این چشید عذاب ظالمان را کسی مددگار نیست  
 باز گویند ای پروردگار ما را بختی غالب شد و بودیم گمراه ای پروردگار ما را برادر پس اگر باز کفر کنیم ظالم  
 باشیم آنگاه جواب دهند ما خوشتر از اینها که **لا تیکلمون** باز هیچ سخن نگویند رسول فرمود صلی الله علیه و سلم  
 که در دوزخ ما را باشند مانند گردنهای شتر بختی و کژ دها باشد خرد ترشان مثل خیمه هرگاه نیش نهد  
 رنج او تا چهل سال بقیانند در روایتی آمده که نیش کژ دها مثل درخت طویل از خرما باشد مسلم از ابی  
 روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که بدن کافر آنقدر فراخ کرده شود که دندان او مثل کوه احد باشد  
 و پری پوست او مسافت سه مرحله راه و بر روایتی آمده که مقعد او از مکه تا مدینه و در حدیثی آمده که میان  
 نرم گوش تا دوش کافر هفتصد ساله راه باشد آتش بدن کافر از خوردن تا که رسد بدول او باز بدش  
 درست شود باز همچنان کند تا ابد تعا و رضی الله عنه گفته که در یک ساعت صد بار جلد کافر خست شود  
 و باز درست گردد و عمر رضی الله عنه گفته همچنین از رسول صلی الله علیه و سلم شنیدم و بر روایتی در ساعتی  
 صد و بیست و بار تبدیل جلد شود و بر روایتی شمش هزار بار از حسن بصری مرویست که در روز یک  
 هفتاد و هزار بار و جمع روایات متعدد اشخاص کفار میتوان کرد و نیز چون در ساعتی شش هزار بار

مخفی نماند که در  
 این مضمون باب  
 پنج دعا اهل دوزخ  
 آمده است

در روز که دوازده ساعت باشد هفتاد و دو نفر از ایشان با سقا کسر جمع این دور وایت میشود  
 و از خدیفه مروست که در چشم درندگان دسگان کوهها و شمشیرها از آتش باشند ملائکه کافران را بدان  
 کلاسیب قطع کنند و از آتش شیر را عضو عضو جدا کرده پیش سباع دسگان بیندازند و هر بار که عضوی  
 را برین بجای آن عضوی دیگر قائم شود و در حدیثی آمده که آتش روی کفار را آتشان کند که لب بالا  
 کشیده شود تا نیم سر رسد و لب پایین و هشته تا نواف رسد این عباس و تفسیر قوله تعالی **فَلْيَضْحَكُوا**  
**فَلْيَلَاؤُكُمُ الْكِلَابُ** میفرااید که دنیا قلیل است و دنیا پر قدرخواهند بخندند چون دنیا منقطع شود  
 که ایشان منقطع نگردد رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که دوزخیان گریه کنند تا که آب چشم منقطع شود  
 خون بگریزد و در رویهایشان خند قما شوند که اگر گشتیها در آن بگذرانند جاری شوند و فرموده که دوزخیان  
 مدتی آب چشم برین بستر مدتی ریگ گریزند پس خانان جهنم گویند ای بدبخشان شما در دنیا کمر بستید حالاً  
 فریاد رس دارید از زمان از اقربای خود که هشتیان باشند ناکند ای جماعه پدران و مادران فرزندان  
 برآمده ایم از قبور تشنه و در طول موقت تشنه مانذیم و الحال تشنه ایم بریزید بر آب یا آنچه خدا بشما  
 داده است بعد چهل سال از آنجا جواب یابند که حق تعالی آب و غیره بر کافران حرام کرده است و دوزخیان  
 در دوزخ زفر و شیش باشد یعنی آوازی شنیده و آوازی ضعیف مثل آواز خرازل و دوزخ کمتر در عذاب  
 کسی باشد که او را نعلین آتش باشد که از آن دماغ او جوشد چنانچه دیگر سجوشد و اندک کسی از من در  
 عذاب سخت تر نیست حال آنکه او کمتر است در عذاب عباس رضی الله عنه از رسول صلی الله علیه و سلم پرسید  
 که ابوطالب حمایت تو میکرد و او را چیزی نفع کردی فرمود آری او در ضحاح آتش است  
 اگر من نمی بودم در درگ باطل می بود و ضحاح آبی قلیل را گویند که ناشتا لنگ باشد  
 یا کمتر از آن در حدیثی آمده که ابوطالب را نعلین است از آتش که از آن دماغ او میجوشد

## باب چهارم در عذاب گناهکاران از مسلمان

رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که دوزخیان در آتش نه زنده باشند یعنی بزندگی راحت و نه مرده باشند

۲  
 سبب بیداری خفته  
 سبب بیداری سبب

و بعضی کسان را آتش سسپین میرند مثل انگشت شوند پس حکم شود و بشاعت آنها پس آنها را برآورده بر  
 نهر که بهشت انداخته شوند و این بهشت را حکم شود که بر آنها آب ریخته پس آنها مثل سبزه برویند و در حد  
 آمده که گرمی و زرخ بر امت من مانند گرمی حمام باشد یعنی در حق بعضی کسان فرموده که بعضی در خیابان آتش  
 تا شتا لنگ باشد و بعضی را نازانو و بعضی را تا سینه و بعضی را تا حلق و بعضی را تا سر فرموده زنان را که مشا را  
 اکثر ابل و دوزخ دیدم زنی گفت چرا فرمود شما لعنت بسیار میگویی و کفران نعمت شوهران میکنید و نیز در حق آنها  
 فرموده که آنها بر عطا شکر میکنند و بر بلا صبر میکنند و فرمود که مردی را آورد و زرخ انداخته شو پس بیرون آنجا  
 پس او را آتش کردش کند چنانچه نگر و آسیا میگردد و دوزخیان جمع شوند و بگویند ای خواجه حالست ترا تو مارا  
 امر معروف و نهی از منکر میگویی گوید که من شما را امر معروف میگویم و خود آن کار نمیکنم و من نهی از  
 منکر میگویم و خود مرتکب آن بودم و فرموده که سخت تر در عذاب مردی باشد که طلب علم میخواهد کرد  
 و طلب علم نکند و مرد عالم که بعلم خود نفع نگرفت و فرموده که زبانی جلدی کنند در عذاب قاریان پیش از  
 عذاب بت پرستان آنها گویند که شما در عذاب مایه جلدی کردید پیش از بت پرستان آنها گویند که  
 عالم مثل جاهل نباشد یعنی معذور نباشد و در حق کسی که قلاوه یا گوشواره یا دست بند از زر پوشیده  
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده که قلاوه و مانند آن از نار باشد علما این حدیث را در حق زنا  
 منسوخ گفته اند یا تاویل میکنند بعد از آنکه از کات و فرموده هر که در ظرف زریا نقره آب خورده آتش  
 و زرخ در شکم او آید از کند چنانچه آب در کوزه همچین هر که اگر یابان جبهه از حریر باشد و اطوق از آتش باشد  
 و در چنین است که فرمود بر که خواب دیدن ظاهر کند و ندیده باشد تکلیف داده شود که در و وجوگره  
 و نتواند و هر که سخن کسی را گوش نهد و او بشنیدن اذراضی نباشد در گوش او سرب گداخته ریخته شود  
 روز قیامت و هر که صورت زوی روح سازد تکلیف داده شود که در آن روح داخل کند و هر که علم را  
 پوشیده کند او را لگام از آتش داده شود و هر که دوزبان باشد در دنیا یعنی زبیر و شخصی وضعی دیگر گوید  
 و غائبانه وضعی دیگر او را دوزبان باشد آتش را در قیامت و هر که او را در وضو پاشنه خشک ماند بپاشد  
 پاشنه او را در قیامت و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم که در وضو انگشتان خلل کنید تا آتش

در بیان شان نیاید و در صحیحین است که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده که هر که از بلندای خود را انداخته و در همیشه در دوزخ در بهمن غدا باشد و هر که زهر خورده مرده همیشه در دوزخ زهر خورده مرده باشد و هر که آبهن خود را گشت همیشه آبهن او در دست او باشد که در شکم میزده باشد و فرموده هر که اهل مدینه را بدی خواهد در آتش گذارد چنانچه فعلی گذاشته میشود و هر که غیبت کسی کند گفته شود که بخور گوشت او در حال مردگی چنانچه خوروی گوشت او در حالت زندگی پس بخورد و بسیار رنج کشد در حدیثی آمده که چهار باشد که در جحیم و جحیم بگردند و ویل گویند و اهل دوزخ گویند که اینها کیستند که نزدیکی شان ما را اینها که زیاده از ایندای نفس خود و او را گویند ای بعد تو ما را اینها که در زیاده بر آنچه ما را بود یکی آنکه مال مردم را در او باشد و او دانشود او معلق باشد در تابوت از آتش دوم آنکه از رسیدن بول بپارچه و بدن بپارچه او و اساعی خود در آتش کشد سوم آنکه از سخن در مردم لذت گیرد از دنان او و بیجاری باشد چهارم آنکه غیبت همیشه کند و همیشه گوشت خود بخورد و از قیصو بن نازان مرویست که گفته عالم که از علم خود منتفع و در خیال متاذی شوند از بوی بد او و رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که فرجای زانیاں ایذا دهند اهل دوزخ را از بد بوی و در صحیحین است که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که هر کسی که حق تعالی بر خود لازم گرفته است آنکه هر که مسک خورد او را نوشاند حق تعالی طینت خبال فرمود یعنی افشرد و دوزخیان و در حدیثی آمده که هر که خر نوشد خدا او را جحیم نسیم نوشاند و فرمود رسول صلی الله علیه و سلم که مدینه بجزرگاه خوابگاه واجبست بر امت من گرامی کردن اهل مدینه را تا که بر نیزند از کباب و کسی که چنین نکند او را حق تعالی طینت خبال نوشاند و فرمود هر که در حق مسلمان گوید آنچه در روی نباشد خدا تعالی او را ساکنی دفعه کند تا که بر اید از آن قول و بر بخوابد از آن قول و فرموده که زنان نوحه گرد و وصف کرده بر جانب مدینه و بر دوزخیان استاده کرده و پس آواز کرده باشند بر دوزخیان مانند آواز سگان و فرموده که سیاه و ظالمان گمان دوزخ باشند و در صحیحین آمده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که سخت تر عذاب مصورا باشد و در حدیثی آمده که سخت تر عذاب روز قیامت کسی را باشد که انبیاء و دشنام دهد و بدست کسی که اصحاب را دشنام دهد بدست کسی را که دیگر مسلمانان را دشنام دهد و فرموده که سخت تر عذاب کسی باشد

اینکه آنکه قصه  
زیادتی کشد

که نبی را قتل کرده یا نبی او را قتل کرده و بادشاه ظالم را و مقتدران او فرموده که سخت تر عذاب روز قیامت  
 کسی را باشد که مردم را در دنیا عذاب سخت تر میکند و در حدیثی آمده که حق تعالی بعضی مردم را به نخل شست  
 حکم کند چون نزدیک شست رهند و خوشی شست بینند حکم کند که اینهارا از بهشت بازگردانیده بدوزخ اندازد  
 پس آنها بحسرتی بازگردند که دیگر دوزخیان را آن حسرت نباشد بگویند ای پروردگار اگر ما را از اول  
 داخل دوزخ میکردی بهتری بود حق تعالی فرماید که بهیچ استم که شمارا حسرت و هم شمار خلوت  
 گناهان عظیم میکردید و محض مردم بر خلاف آن میکردید از مردم مهمیت میکردید و از من بهیچ نمیکردید و مرا  
 تعظیم میکردید و مرا نمیکردید فعل بد برای مردم ترک میکردید و برای من ترک نمیکردید از مردم چیستانم شمارا  
 عذاب الیم و محروم داشتم شمارا از ثواب فرموده که برای ستمرا کنندگان با مردم دری بسوی شست  
 کشاده شود و گفته شود یکی را از آنها برای خروج از دوزخ و او با کرب و محنت آید چون نزدیک در رسد در را  
 بسته کرده شود همیشه همچنان بسته باشد تا آنکه چون دروازه کشاده شود و گفته شود که بیا از ناامیدی بنیاید  
 و در حق چند کس در احادیث وارد شده **فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَ كَيْسٍ** التائید یعنی باید که خانه خود در دوزخ  
 سازد و کسی که بر پیغمبر صلی الله علیه و سلم دانسته دروغ بنده و کسی که دعوی دروغ کند و کسیکه شمارا  
 دروغ دهد و کسیکه قسم دروغ خورده مال برادر مسلمان بخورد و کسیکه دوست دارد و آنکه مردم پیش او است  
 باشند و در حدیث وارد شده که گناهکاران سواست محمد صلی الله علیه و سلم در دوزخ انداخته شوند  
 روای شایع سیاه شود و قیدهای گوناگونی در پا و طوقها در گردن آنها باشد و گناهکاران است محمد صلی الله  
 علیه و سلم اگر در دوزخ انداخته شوند روای شایع سیاه نباشد و نه قید در پا و نه طوق در گردن آنها را دیده  
 مالک گوید که از شما خوب رو تر بر من وارد نشده است شما از کدام است هستید گویند ما از امت فرما  
 هستیم از امیر المؤمنین علی و ابی هریره رضی الله عنهما روایت که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که این کلاه  
 از موصدان که بدون توبه مرده باشند بر که از آنها داخل دوزخ شود چشمهایشان از رق نشود و در دوزخ  
 شان سیاه نباشد و با شیاطین در یک نخل میزنند و میخورند و طوق در گردن زنجیر دارند و پانزده شوند و جیم خورند  
 شوند و قطران بنوشانیده شوند و خلود آتش آنها را نباشد و صورتهایشان آتش حرام زده بسوزد

بعضی آنها را آتش باشد تا قدم و بعضی را تاپاشنه و بعضی را تارال و بعضی را تانگه و بعضی را تانگه  
 بقدر گناهان شان بعضی از آنها یک ساعت و بعضی یک روز یعنی بقدر یک روز دنیا و بعضی یک ماه و بعضی یک سال  
 و در دوزخ باشند بعد از آن از آن خارج کرده شوند و در از تردت ماندن شان در دوزخ مثل عمر دنیا باشد  
 فصل چون خواهد که حق تعالی آنها را از دوزخ برارد و نمود و نصاری و بیت پرستان و غیره اهل دنیا  
 باطله مومنان را گویند که ما شما در دوزخ برابریم یعنی ایمان شما چه فائده کرد حق تعالی در غضب آید  
 و مومنان را از دوزخ برارد و بسوی چشمه که در میان صراط هشت است بفرستد پس آنها مانند سبزه ترند  
 پستری داخل هشت شوند و بر پیشانی شان نوشته باشد **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** بعد مدتی آن نوشته محو شود  
 پس حق تعالی از تشنگان را بفرستد باز در دوزخ بر کسانی که باقی ماندند یعنی کفار بنده کنند و بیجا آتشی  
 بر آنها زنند و احمد از ابی هریره آورده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که بخشش کند الله تعالی بر در دنیا  
 بر کسانی که عمل نیک گاهی نکرده اند پس بر او آنها را از دوزخ بعد سوخته شدن پس داخل هشت کنند  
 خود بعد شفاعت شفاعت کنندگان و بر آزار از این عمر روایت کرده که گفته بر آتش وقتی آید که با دو آواز  
 آزاد حرکت در آرد و کسی در آن نباشد شیخ محی الدین عزلی از یحیی بن سو قون میگوید که بعد مدتهای دور  
 در دوزخ کفار هم باقی نمانند و مراد از خلو و آنها گشت طویل است لیکن این قول مخالف انصوص قطعیه و اجماع  
 و علما این حدیث را تاویل میکنند و میگویند که جامی عاصیان مومنان که طبقه علی است از دوزخ خالی شود  
 و کسی از مومنان در آن نماند طبری از آن انس از جابر بنده صحیح آورده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم  
 که مردان امت من بسبب گناهان عذاب کرده شوند تا وقتی که خدا خواهد پستری عار دهند آنها را کفار که  
 شما را تصدیق رسول بچ نفع نکرد پس حق تعالی بفرماید که برانند هر که باشد مسلمان آنرا با کافران  
 آرزو کنند که کاشکی مسلمان بودی آنحضرت این آیت خواند **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا كُفُّوا**  
**عَنِ الْمَسْئِلِينَ** حاصل آنکه مسلمانان را در دوزخ خلو و نباشد رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که هر که  
**لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** گوید و بر همین اعتقاد بمیرد البته داخل هشت شود و آیه فرستد که اگر چه زنا  
 کرده یا سرقه کرده باشد آنحضرت فرمود اگر چه زنا و سرقه کرده باشد باز او در بهمان گفته بار آنحضرت

یعنی این مردم  
 دوزخی اند که آزاد  
 کرده شده  
 چنانچه اند  
 صحت یقین  
 از آنکه اگر صاحبان  
 را بابت باشد  
 تا به غیر از اصل  
 علی و کفر گفته باشد  
 مع باشد  
 که دست خوانند  
 داشت کافران  
 که کاشکی مسلمان بودی



بر خاک آلوده شدن  
یعنی اهل ذرکلیه از قضا  
ای بدلیل این  
ابن جمان از ۱۲

بهان فرموده و در مرتبه سوم گفته علی الخیم افن آبی خیت و فرموده هر که میرد در حالیکه شرک  
نکرده باشد داخل بهشت شود و هر که میرد و مشرک باشد داخل دوزخ شود و احادیث درین باب  
بسیار اند زیاده از حد توانزد و بعضی احادیث وارد شده که هر که شهادت دهد بتوحید و بر اسب محمد  
صلی الله علیه و سلم حق تعالی آتش دوزخ بروی حرام کرده مرا دانست که آتش مؤبد و خلود و درد و  
بردی راست بدلیل دیگر احادیث که در عذاب گناهکاران از مسلمین وارد شده و آنچه ابن جمان از  
ابی هریره روایت کرده که آنحضرت فرموده که هر که لا اله الا الله گفت نفع خواهد کرد او را که  
از دهرش از آنچه او را رسد و نزدی دحا که از انس روایت کرده که آنحضرت فرموده صلی الله علیه و سلم  
حق تعالی بفرماید که از آتش بر آید کسی را که روزی مرا یاد کرده و جائی از من ترسیده باشد  
فصل در صحیحین از ابن عمر مرویست چون شیطان تمام داخل بهشت شوند و همه دوزخیان یعنی کفای  
در دوزخ مانند ستاده شود بانگ مینده در میان شان و آواز کند ای اهل دوزخ موت نیست  
و ای اهل بهشت موت نیست هر یک در آنچه هست همیشه باشد و هم در صحیحین از ابن عمر و ابی سعید  
خدری که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که قتی که همه شیطان در بهشت شوند و دوزخیان در دوزخ  
مانند موت را بصورت کبش سیاه در میان دوزخ و بهشت آورده شود و گفته شود ای اهل بهشت  
و ای اهل دوزخ موت را میشناسید هر یک گردن دراز کند و بید و گوید آری این موت است پس او را  
فوج کرده شود و گفته شود ای اهل بهشت خلوت و ای اهل دوزخ خلوت موت نباشد رسول فرمود  
صلی الله علیه و سلم که اگر اهل دوزخ را گفته شود که شما در دوزخ باشید عدد سنگریزه دنیا بر اینیه خوش شوند و اگر  
اهل بهشت را گفته شود که شما در بهشت باشید عدد سنگریزه دنیا بر اینیه غمگین شوند لیکن بر اینا خلوت است ابد  
از این مسو مرویست که چون باقی ماند کسی که در دوزخ مغلط باشد آنرا در صند و قهای آهنی کرده و بر آن  
میخجای آهنی زده و آن صند و قمار در صند و قهای دیگر آهنی کرده انداخته شوند پایین تر دوزخ پس از  
از آنها داند که غیر کسی دیگر در عذاب نیست و هم از ابن مسعود مرویست که منافقان را در صند و قهای آهنی کرد  
در درج اسفل دوزخ و تنور با تنگ تر از پنج که کوفته شود و تیره کرده شود آنرا جبه الخزن گویند

کسی که در  
پایین ترین  
جبه الخزن







و در حدیثی آمده که هر که یک تیر بسوزی شمن خدا اندازد حق تعالی درجه او بلند کند و درجه صد بار راه باشد  
 و در حدیثی آمده که در بهشت صد درجه است میان هر دو درجه تفاوت آسمان زمین است و در درجه اول خانه  
 تختها و در راه دیوارها و قفله از نقره است و در درجه ثانیه آن همه نقره است و در درجه سوم همه آن را برف  
 و در راه دید و زبر جدست و نود و هفت درجه تقسیم است که نمیداند آنرا جز حق تعالی و مسلم از ابی هریره روایت  
 کرده که آنحضرت فرمود آیا خبر داری که من شمار را بر آنچه و در کند خطایا و بلند کند درجات گفتند بلی فرمود اسبغ  
 وضو بر بکاره یعنی در حالت ناخوش آنست حال آب وضو بخوبی کند و در رفتن مسجد نماز و انتظار نماز بعد نماز  
 همینست ربط و پیوستگی از عایشه روایت کرده که آنحضرت فرمود که درجات بهشت بعد از آیتهای قرآن  
 پس هر که داخل شود در بهشت از اهل قرآن بالای او درجه نباشد یعنی هر که تمام برکات قرآن گیرد تمام درجات  
 را و گیرد این حدیث را بران حمل نباید کرد که درجات بهشت شش هزار و شصت و شصت و شش است  
 بعد از آیات قرآن بلکه حمل بران باید کرد که هر قدر که آیات قرآن را فکر کند برای او درجات بهشت بفرستد  
 اصحاب سنین و ابن جهمان از ابن عمر روایت کرده که آنحضرت فرمود صاحب آن آگفته شود که قرآن را  
 و ترقی کن و تریل کن چنانچه تریل میکردی در دنیا و در حدیثی آمده که مردی در بهشت نظر بفوق کند و از  
 از فوق درخشند که بصر او را خیره کند بگوید که این چیست گفته شود که این نور برادر دست فلان گوید که من  
 او در دنیا با هم بودیم و عمل میکردیم و اینقدر او را بر من فضل چراش گفته شود که او از تو در عمل افضل بود  
 حق تعالی در دل او رضا به حسد نکند و در حدیثی سبب فضیلت مذکور شده که آنها را سنگی کشیدند  
 و شما سیر بودید و آنها تشنگی می برداشتند و شما سیراب میشدید و آنها تشنه با بیداری میکردند و شما خواب  
 میکردید و در حدیثی آمده که نزد خدا درجه ایست که تا آنجا بعمل نتوان رسید حق تعالی بنده را مبتلا کند  
 تا آنجا رسد و آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که در بهشت درجه ایست که نمیرسد آنرا اگر اصحاب موم و موم  
 در بهشت درجه ایست که نزد آنرا کسی نباشد و عادل و ذور رحم و صل کند و عیب ندارد  
 فصل حق تعالی یفرماید وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ  
 وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ ط یعنی کسانیکه ایمان آوردند و فرزندان کامل و تبعیت کردند از

هر که یک تیر بسوزی شمن خدا اندازد حق تعالی درجه او بلند کند و درجه صد بار راه باشد



فصل هجدهم در بهشت را بهشت دروازه باشد نمازیان را از باب الصلوة و صائمان را از باب الصوم و صدقه دهندگان را از باب الصدقة و عبادان را از باب العبادة و مجاهدان را از باب الجهاد و طلبیه شود ابو بکر گفته یا رسول الله از هر دری که طلبیده شود خوبت لیکن کسی باشد که از همه دروازه ها و از طلبیده شود فرمود یا رسول الله که توازن مردم با سنی قرطبی گفته از همه در باب طلبیدن بنا بر کرامت است در حدیث آمده که انسان عمل که بیشتر کند بهمان در طلبیده شود حدیث آمده که هر که بعد وضو تشهد کند **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** و **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** و **أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ** گوید بهشت دروازه بهشت برای او گشوده از هر چه خواهد داخل شود و فرموده که هر که نماز پنجگانه در روزه رمضان کند و زکات دهد و از هر چه بپسندد در روزه بهشت برای او گشوده شود و بشارت بکشادن بهشت دروازه بهشت وارد شده در حق کسی که سه فرزند طفل او را مرده باشند و در حق کسی که تشنه را آب بدو رساند از طعام سیر کند و در حق زنی که تقوی کند و محافظت فرج خود و متابعت زوج خود کند و در حق کسی که چهل حدیث یاد کند که مردم را نفع دهد در حق کسی که او را و دختر یا دو خواهر یا دو عمه باشد و آنها را پرورش کند فصل رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که دیوارهای بهشت را خشتی از زر و خشتی از سیم بجای گل مشک باشد و سنگریزهای آن مرارید و یا قوت و خاک آن عفران هر که داخل بهشت شود همیشه خوش باشد ناخوش نشود و همیشه باشد نمیرد و بار چه او گمته نشود و جوانی او را گل نگردد و نهتر نمی باشد و در غار زوند بالای زمین روند در میان دی و بازوی دروازه بهشت چهل ساله راه باشد روزی چنان زحام شود که مردم پهلوی پهلوی روند و تنگ باشند و در صحیحین است که داخل بهشت شوند از امت من بنصرت هر که با سفت لب رادی شک کرده داخل شوند برابر دست بدست گرفته رؤشان پانزده شب چهارم باشد فصل در بهشت غرنا باشند بلند از جواهر شفاف که ظاهر آن از باطن و باطن آن از ظاهر دیده شود اهل بهشت اهل غرنا را بینند بالای خود چنانچه ستاره در در افق مشرق یا مغرب دیده شود برای تفاضل که در میان شان باشد گفتند یا رسول الله آن منازل انبیا را باشد دیگران تا آنجا رسیدند فرمود قسم بخدا که آن منازل مردمان را باشد که ایمان آورده باشند بخدا و تصدیق کرده باشند پیغمبر

و در حدیثی آمده که غرهما برای کسی که باشد که با هر یک کلام نیکو بفرماید گویند و مردم را طعام خوانند و شها  
 نماز گزارند و حالیکه مردم خفته باشند و در حدیثی آمده و با هر یک سلام گویند و در حدیثی آمده روز  
 متصل دارند و در حدیثی آمده کسی که بر برادر خود سلام گوید و سلام دهند و راجب سلام گوید او گویا  
 افشای سلام کرده و سبکدلی عیال خود را از طعام سیر کرده پس طعام طعام کرده و هر که ماه رمضان  
 و سه روز از هر ماه روزه داشت گویا همیشه روزه داشت و هر که نماز عشا و فجر بجماعت خواند و نماز خوان  
 در شب در حالیکه مردم یعنی کافران در خواب باشند این سخن رسول کریم فرمود و هر که اگر گفت یا رسول  
 الله اطاعت است که افشای سلام و اطعام طعام و دوام صیام و قیام لیل کند و الناس بینا حاصل آنکه  
 اگر زیاد و طاقت نباشد اینقدر هم کافی است اگر فضل آتی شامل حال است و در حدیثی آمده که حق تعالی عرفا  
 بشت میگرداند و است برای کسانی که برای خدا دوستی دارند و ملاقاتها نمایند و آنچه خرج کنند برای خدا  
 و در حدیثی آمده که غرهما بیشت رانه علاقه باشد از فوق و نه ستون باشند از تحت مردم گفتند  
 پس چگونه آنجا رسند فرمود مانند پرند پریده رسند باشند آن غرهما صاحب بسیار یا صاحب دود و باران  
 و از عمران بن حصین ابی هریره مرویست که از آن حضرت احوال مساکین کسبه فی جمات عدت  
 پرسیده شد فرمود قصر باشد از مردارید در آن قصر هفتاد خانه باشند از یا قوت سرخ در هر خانه هفتاد حجره  
 باشد از مرد سبز در هر حجره هفتاد تخت باشند بر تخت هفتاد فرش باشند زنگارنگ بر فرش زرد  
 از حور و در هر حجره هفتاد خوان بر هر خوان هفتاد درنگ طعام و در هر خانه هفتاد غلام و هفتاد کنیز و مسلمان  
 قوت جماع آنقدر باشد که با همه زوجات جماع کند و احادیث اعمال صالحه که سبب ثوابی خانه  
 در بشت باشند بسیار مذکور شده اند از جمله بنا کردن مسجد و مواظبت بر سنن و اواب نماز صحی  
 و چهار گانه پیش از عصر و ده رکعت خواندن در میان مغرب عشا و سوره خواندن شب جمعه  
 و روز جمعه و روزه داشتن چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه و در حدیث آمده که هر که وقت داخل شدن  
 باز گوید اَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَيَاةُ  
 وَنُفُوتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بَيِّنَاتٍ خَيْرٌ مِنْهُ قَدْ نُسِئْتُ شَرًّا وَنُسِئْتُ شَرًّا وَنُسِئْتُ شَرًّا

این حدیث در باب طعام دادن است  
 و این حدیث در باب نماز است  
 و این حدیث در باب صیام است  
 و این حدیث در باب قیام است  
 و این حدیث در باب زهد است  
 و این حدیث در باب عبادت است  
 و این حدیث در باب اخلاق است  
 و این حدیث در باب جهاد است  
 و این حدیث در باب سیاست است  
 و این حدیث در باب دیانت است  
 و این حدیث در باب اخلاق است  
 و این حدیث در باب سیاست است  
 و این حدیث در باب دیانت است

اعمال صالحه که  
 سبب ثوابی خانه  
 در بشت باشند



و دور کرده شود از آن هزار در هزار گناه و بنا کرده شود خانه در بهشت و آنحضرت فرموده که هر که ده بار در راه خدا  
خواند بخانه برای او در بهشت بنا کرده شود و اگر بیست بار خواند دو خانه و اگر سی بار خواند سه خانه عمر گفت یا  
رسول الله در این صورت بسیار خانه در بهشت کنیم فرمود که فضل خدا فراخ ترست بطهرانی از عظیم بن محمد  
روایت کرده که بسبب ذکر خدا بنا در بهشت میشود چون شخص از ذکر نپز میشود از بنا کردن بند میشوند  
پس گفته شود آنهارا که چرا باز ماندید از بنا گویند تا که باز نفقه رسد و همچنین از علی بن ابی نعیم روایت کرده و  
در حدیثی آمده هر که اربعصد و او صبر کرد و حمد گفت **وَاِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاٰجِعُونَ** گفت حکم شود که بنا کنند  
برای بنده من خانه در بهشت و نام نهند آن خانه را بیت الحمد و فرمود که هر که در صفت نماز یا صفت قتال و غیر  
بند کند حق تعالی درجه او بلند کند و بنا کند برای او خانه در بهشت و فرمود هر که در و غلوی ترک کند خانه او  
در بهشت بنا شود و هر که ترک کند جدال و او محقق باشد بنا کند خدا برای او خانه در میان بهشت و هر که را  
خلق حسن باشد در علی بهشت خانه او باشد و فرمود هر که در رمضان نماز خواند بهر سجده هزار حسنه شود  
و خانه در بهشت بنا شود از با قوت سرخ و فرمود هر که قبر مسلمانان کند یا خانه او در بهشت بنا شود  
**فصل** بوی بهشت از پانصد ساله راه رسد و در بعضی احادیث آمده از هفتاد ساله راه و در بعضی  
پانصد و هفتاد ساله راه و در حدیثی آمده از هزار ساله راه رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که هر که در بهشت  
او را بوی بهشت نرسد و همچنین دارد شده در حق کسی که رعیت خود را رعایت و پرورش نکند و در حق کسی  
خود را بغیر پدر خود نسبت کند و در حق کسی که منت نهد بچل خود و کسیکه نافرمانی والدین کند و کسی که من  
خمر باشد و کسیکه قطع رحم کند و کسیکه در پیری زن نکند و کسیکه بنکب از از خود بر زمین کشد و کسیکه خضاب  
سیاه کند و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم مردی که مردود دل او مقدار  
دانه خردل کبر باشد حلال نیست او را که بوی بهشت بوی رسد یا بهشت را ببیند  
**فصل** در صحیحین از ابی هریره مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که در خان بهشت آنجا  
باشند که اگر در سایه او سوار صد ساله راه رود و سایه او را قطع نکند و ترندی از اسما و بنت ابی بکر را آنحضرت  
صلی الله علیه و سلم روایت کرده که در ذکر سوره المنتهی فرموده که سیر کند سوار در سایه یک شاخ وی صد بار

در این حدیث  
برای خداست  
و این حدیث  
در مسند احمد  
و این حدیث  
در مسند احمد

۲۰  
مسند ابی نعیم  
در مسند ابی نعیم  
در مسند ابی نعیم  
در مسند ابی نعیم



و در آن پردانه می زرد باشند و ثمر آن مثل قلمها باشند و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم طوبی در  
صدقه راه پاره پوشاک شستیان از آن برآید و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم درختی درخت شبا  
مگر آنکه تنه او از زرد باشد و از این عباس میست که نخل بهشت را تنه زرد و شاخها آن طلاست  
و برگ آن پوشاک اهل بهشت قطعی و هم قلمها و ثمر آن مثل قلم سفید از شیر و شیرین تر از عسل و نرم  
از زرد و بنفشه است و ستمان فارسی رضی الله عنه چوبی خرد و در دست گرفت و گفت اگر در بهشت  
اینقدر چوب طلب کنی نیایی مردم گفتند که آنجا نخل و شجر باشد فرمود که هیچ و تنه آن از زرد و زرد باشد  
و بالای آن ثمر باشد یک اعرابی از آنحضرت صلی الله علیه و سلم گفت یا رسول الله درختی مذکور شده که  
ایضا میکند صاحب خود را فرمود آن چیست گفت سدره فرمود حق تعالی فرماید **فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ**  
یعنی قطع کرده شده قطع کند حق تعالی خارا و را بجای هر خار نمره باشد از هر نمره هفتاد و دو رنگ برآید که  
مشابه یکدیگر نباشد و نمره درختان بقسمی باشد که استاده و نشسته و بزرین خفته بهر حال میتوان گفت  
مجاذ بر رضی الله عنه گفته که زمین بهشت از نقره باشد و خاک او از مشک و درختان از زرد و نقره و شاخها  
از زرد و زرد و ثمر با بقسمی استاده و نشسته و خفته از آبگیر و مسروق رضی الله عنه گفته که نمره  
جنت هرگاه شکسته شود بجای آن دیگر قائم شود و ابلی هریره گفته که سدره بهشت را طوبی گویند حق تعالی  
میفرماید بشکاف بر آن بنده صالح من هر چه خواهد پس بشکاف از آن سب مع زین و گام جانچه خواهد و برآید  
شتر بار حل و مهار قسمی که خواهد و برآید پاره آنچه خواهد و در احادیث وارد شده که هر که **سُبْحَانَ اللَّهِ**  
گوید برای او درختی در بهشت نشانه شود و رسول صلی الله علیه و سلم ابو هریره رضی الله عنه را دید که  
درختی می نشاند فرمود که دلالت کن من بر درختی بهتر از این گفت آن چیست فرمود **سُبْحَانَ اللَّهِ**  
**الْحَمْدُ لِلَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اللَّهُ أَكْبَرُ** هر کلمه از این درختی برای تو نشانیده شود و رسول صلی الله  
علیه و سلم ابراهیم علیه السلام را در خواب دید گفت یا محمد امت خود را از من سلام بگو و خبر ده که بهشت خوش  
خاک است و شیرین آب و آن بی درخت است و درختهای آن **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اللَّهُ أَكْبَرُ** و **سُبْحَانَ اللَّهِ**  
**وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ** است و آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که نزد ختم قرآن و نماز

در بهشت  
درختی است  
که میوه آن  
مثل طلاست  
و برگ آن  
مثل پوشاک  
اهل بهشت  
است

در بهشت  
درختی است  
که میوه آن  
مثل طلاست  
و برگ آن  
مثل پوشاک  
اهل بهشت  
است

در بهشت  
درختی است  
که میوه آن  
مثل طلاست  
و برگ آن  
مثل پوشاک  
اهل بهشت  
است

و درخت در بهشت نشانه شود و ابن عباس رضی الله عنه گفته که هر که برای کار نیک و درود بجا آورد  
زمین و دریا رحمت فرستند و هر قدم در بهشت درختی نشانه شود و گناهان او بخشیده شود و حق تعالی  
بفرمانده **وَلَا تَنْفَعُ فِئَافَاكِهِمْ وَنَخْلُكُمْ وَقَوْمًا كَذِبًا** و فاکه که کثیره لا مقطوعه  
**وَلَا مَمْنُوعَةٌ فَمِنْهُمْ كُلُّ فَاكِهِ زَوْجَانِ** ابن عباس رضی الله عنه  
گفته که در دنیا از هر که بهشت نیست مگر نام گرفته بر چه در دنیا از ثمره بهشت شیرین تر تا که خصل در بهشت بهشت  
یعنی صورتها هر یک نامها و بهشت باشد لیکن در حقیقت لذت چیز دیگر باشد ثمره بهشت را و دوزده که طولانی باشد  
فصل حق تعالی بفرماید **وَأَمَّا نَاهُمْ بِفَاكِهِ وَكَيْفَ مَا كُنْتُمْ فِي الدُّنْيَا** رسول فرمود صلی الله علیه و سلم  
بدستیکه تو بینی پرنده در بهشت و غنیمت کنی در خوردن آن بغمته پیش تو بریان شده و آبی اما گفته  
مردی در بهشت غنیمت طیری کند افتد پیش او مثل شیر بختی ز رسیده بوی دود و آتش بستر از آن بخورد  
تا که سیر شود و باز آن پرنده بر رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که اهل بهشت طعام خورند و بنوشند و بول کنند  
و آب و دهن و آب یعنی بنهند از نه طعامی که خورند از آرد و عرق بیرون رود بوی آن مثل بوی مشک  
باشد و فرمود مردی را در بهشت در خوردن و نوشیدن و جماع کردن قوت صد مرد باشد  
فرمود که سونمان را از طرف خدا بیا آیند در اوقاتی که نماز میخوانند ز فرشتگان بر آنها سلام گویند  
فصل در بهشت نهرا باشد از آب از شیر که متغیر نشود و از خرد از غسل و چشمه باشد سلسبیل نام که  
شدید الجریان باشد و چشمه باشد کافور نام و چشمه باشد زکریا نام و چشمه باشد تسنیم نام که بهترین  
نهر ابراهیمی است صرف از آن بفریان خورند و دیگران از آن خلطی شود حق تعالی بفرماید **وَمِنْ ثَمَرَاتِهَا**  
**مَرْجَجَةٌ مِنْ تَسْنِيمٍ عَيْنًا لَشَرِبُهَا الْمُقَرَّبُونَ** رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که  
نهرهای بهشت از کوه مشک برانید و فرموده که نهرهای بهشت در غار زو و بر و زمین و در کنار  
شان از مر و اید و خاک آن از مشک باشد و از ابن عباس رضی الله عنه مرویست که در بهشت  
نهریست که آنرا ایدج گویند بروی قبا باشد از با قوت زیر آن دختران باشند رو دیده مردم  
برای سیر آنجا آیند و آن دختران را ببینند اگر دختری کسی را خوش آید دست خود بوی رسانند

دران در بهشت  
سیر و درختان  
و انرا باشد  
و در بهشت از این  
که غنیمت کنند  
و سیر به سیر دنیا  
و سیر از آن  
منع کرده شود  
دران و در بهشت  
از هر چه در دنیا  
بلی در بهشت  
را سیر و در بهشت  
نهر که طلب کنند  
و آب بهشتی آن  
آب تسنیم باشد را در بهشت  
چشمه که در بهشت از آن  
نهر که در بهشت

آن خمر به راه او شود و بجای او دخری دیگر برود و در حق نهر باشد بهشت حق تعالی سیف برآید  
 یَفْجَرُهَا تَقْطِیرُ آبِ بَیْضِ بَیْضِ بَیْضِ بَیْضِ بَیْضِ بَیْضِ بَیْضِ بَیْضِ بَیْضِ بَیْضِ بَیْضِ بَیْضِ بَیْضِ بَیْضِ بَیْضِ بَیْضِ بَیْضِ  
 اندر از آن قضیبها اشاره کنند به راه آن قضیبها نهر جاری شود از ابی سعید خدری رود که  
 اگر آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که هر که مسلمان از تنگی آب بخورد حق تعالی او را از زمین محتوم بشاند  
 و زمین محتوم عبارت از خمر است که در آخر آن لذت و بوی مشک باشد و از خمر بهشت صدراع نشود  
 چنانچه در قرآن است و عقل زایل نگردد و چون این شست را رغبت شراب شود بدست او آنقدر داده شود  
 که نه زیاده باشد از خواهش او نه کم و فرمود که هر که در دنیا خمر خورد و توبه نکند در آخرت از آن محروم باشد  
 اگر چه داخل بهشت شود و فرموده که هر که خمر خورد در دنیا یا بچه صغیر را خوراند او را حق تعالی جهنم  
 خوراند و هر که خوف خدا خمر را ترک دهد با وجود قدرت بر آن دارد و جمله قاتله <sup>نشان بماند</sup> سوارانیده شود و در بهشت  
 وارد شده که در بهشت درخت باشد که از آن لباس شستیان برآید اگر خواهد سنجید و اگر خواهد سبزه و اگر خواهد  
 سبزه و اگر خواهد سیاه و اگر خواهد زرد و باریکتر و خوبتر این ابی حاتم از کعب جبار آورده که اگر یار بهشت راست  
 در دنیا پوشد چشمها دیدن آنرا تحمل نشوند هر که آنرا بیند بیوش شود و میزد و صاحبان از عکرمه زود کرد  
 که لباس شستی و یک ساعت به نقادگان تبدیل شود و در صحیحین نیست که آنحضرت فرموده هر که حریر در دنیا پوشد  
 در آخرت نبوشد اگر چه داخل بهشت شود و فرموده که هر که در دنیا در ظرف زرد یا نقره خورد در آخرت از آن محروم  
 فصل در صحیحین است که مومن را زور پوشانیده شود تا جائیکه آب وضو آنجا رسیده و حاکم و ترمذی و غیره  
 از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آورده که بشتیان پلاچ باشد که او فی امر و اید آن باین مشرق و مغرب شستند  
 و آنحضرت فرموده که هر که مرده را کفن هم او را از سندس و استبرق بهشت پوشانیده شود و فرموده که  
 مصیبت زوجه را تعزیت کند حق تعالی او را دو حله پوشاند که تمام دنیا بقیمت آن نرسد و فرموده که  
 ترک لباس زینت کند بتواضع با وجود قدرت حق تعالی او را بر سر خلایق طلب کند و مختار سازد و اعطای  
 ایمان هر چه خواهد پوشد مفسران گفته اند که کسی از این بهشت نباشد مگر آنکه او را سه دست بند باشد  
 یکی از زرد دوم از نقره سوم از مروارید و کعب جبار مرویست که حق تعالی در شسته پیکار دست که از زور

فصل از حدیثی که در کتب معتبره است که هر که در دنیا خمر خورد و توبه نکند در آخرت از آن محروم باشد

پیدا بشود و از قیاس زبیر شتیان تیار سکن از سعید بن جبیر و تفسیر قوله تعالی **لَا تَحْطَبُوا**  
**عِشْرَةَ** یعنی ششستایان است از استبرق بن مریس که گفته که ظاهر این آیه اینست که اگر  
**فصل** **مُتَكَلِّفِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرْكَانِ** یعنی تکیه زده بر ارکها بنشینند بلکه را در بندگی هر یک از گویند  
 که در این شصت یعنی چهار بابی باشد و بالا آن جمله باشد عباد گفته اگر یکها باشند از هر وارید و یا تو  
 و **عَمَّا دُونَ مَصْفُوفَةٍ** یعنی یکها با هم صف بسته از ابن عباس و یست که خیمه از هر وارید مجوف باشد  
 فرسخ و فرسخ چهار هزار تخمه از زردان باشد **تَشْقَالُ لَكِنَّ** یعنی این شصت رو برو بنشینند بعضی بعضی  
 پشت نهاده و همچنین از ابی موسی اشعری از آنحضرت صلی الله علیه و سلم مرویست که خیمه یکم وارید مجوف باشد  
 که شصت کس در آن باشد در گوشه از آن بل خانه باشند بر امون که دیگر اهل خانه را میبندند و آن مومن همه آنها بگذرد  
**فصل** در صحیحین از آنحضرت صلی الله علیه و سلم مرویست که هر کس را در بهشت دوزخ باشد و توبه نکرده باشد  
 از آنحضرت روایت کرده که تزیین کرده شود مومن بهشتا دوزخ گفتند یا رسول الله قوت بهشتا دوزخ داشته باشد  
 فرمود که قوت صذران داده شود و این عساکر و این السکن از حاطب بن ابی لیثعه و احمد و ترمذی از ابی سعید  
 از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که بهشتا دوزخ باشند بهشتا دوزخ گفتند و دوزخ  
 از اهل دنیا ازین روایت تطبیق بر سه روایت گشته و در بعضی روایات عدد و نساء بکثرت بسیار  
 شاید آن اعتبار بعضی آن خاص باشد لیکن روایت دوزخ اهل دنیا شبهه پیش می آید که در بهشت  
 که آنحضرت زمان آنست **أَرَبَيْتُكُمْ أَكْثَرَ أَهْلِ النَّارِ** یعنی نموده شدم من اکثر اهل دوزخ زمان از زمان  
 چرا یا رسول الله فرمود که شما بسیار لعنت میکنید و کفران لغت شوهران بنیامید و نیز از آنحضرت غایبها را  
 دیدند در آن غرابایی بود و سفید باز و با سرخ منقار و سرخ پا فرمود از زنان داخل بهشت نشوند مگر مانند  
 این غراب از غرابایی بسیار کم و از نخلدیش معلوم میشود که زنان در بهشت از مردان مضاعف باشند  
 توجیه چنان میتوان کرد که مراد از نفی دخول زنان در بهشت آن باشد که بدون تعذیب داخل بهشت نشوند لیکن  
 انجام شان به بهشت باشد و مراد اکثر **أَهْلِ النَّارِ دُخِلُوا فِيهَا** بدلیل آنکه علت دخول شان  
 در دوزخ کفر نخلد نفرموده بلکه اکثر این کفران شوهر فرموده و محتمل که مراد آن باشد که هر کس را از امت محمدی

۴۱  
 قول از آنحضرت است  
 من فرسخ و فرسخ  
 سفر و سفر

۴۲  
 عاصم از آنحضرت روایت کرده  
 ای زمان الله دوزخ

۴۳  
 یعنی زنان اکثر از مردان  
 از آنحضرت روایت کرده  
 از آنحضرت روایت کرده

و وزن باشند گوار زنان امم سابقه باشند با طفل مرده باشند از اطفال مومنین یا اطفال کفار و وقت  
 دخول خت جوان باشند و نکاح مردان بکلفت داده شود<sup>۱۲</sup> لیکن زنان که در دنیا ساز و روزه کرده اند  
 از بهر بهتر باشند زنان بهشت پاک باشند از حیض و بول و غایط و آب دهن و آب بینی و ولد و منی آنحضرت  
 صلی الله علیه و سلم فرمود که اگر زنی از زنان بهشت ظاهر شود ما بین آسمان و زمین روشن و خوشبو کند و شتی  
 آفتاب را بپوشد و دامنش را از دنیا و ما فیها بهتر باشد و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم که در مساجد  
 چون داخل بهشت شدم در موضعی که بتیج نام دارد دران خیمه یا قوت و مرادید و بر جرد بود و آواز زنان  
 السلام علیک یا رسول الله پرسیدم یا جبرئیل اینچه آواز است گفت این مَقْصُودَاتُ فی الخیاطه  
 اند از حق تعالی اذن خواستند که بر تو سلام گویند اذن شد پس آنها گفتند ما زنانیم راضی گاه بی ناخوشی  
 نمکنیم همیشه باشند گان گاه بی سفر نمکنیم طبری از ابی امامه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم  
 فرمود که حوران بهشت از زعفران مخلوق باشند و ابن مبارک از زید بن سلم آورده که پیدایش آنها  
 از مشک و زعفران و کافور باشد از خاک و طبرانی و بیهقی از ام سلمه روایت کرده که آنحضرت فرمود  
 صلی الله علیه و سلم که زنان دنیا از حوران بهشت در فضل باشند مانند فضل ابره بر استر بسبب آنکه در روز حق  
 رویه ایشان را نور بخشد و جسد ایشان اسفید و خوبی و مجامشان از مرادید و شانهاشان از زربا ام سلمه  
 پرسید یا رسول الله زنی در دنیا دشوهر کند یا سه یا چهار در بهشت کرا باشد فرمود که او را اختیار داده شود  
 پس اختیار کند مگر ترا در اخلاق و همچنین ام حبیبه روایت کرده و ابن سعد از ابی الدرداء روایت کرده که زن آخر  
 ازواج را باشد و ابن سعد از ابی بکر صدیق رضی الله عنه روایت کرده که اگر زنی را شوهر صالح  
 مرد و آن زن شوهر دیگر نکند و در بهشت با وی جمع شود حق تعالی میفرماید **اِنَّ اَشْهَادَنَا هُنَّ اَنْشَاءٌ**  
**فَجَعَلْنَا هُنَّ اَبْكَارًا عَمْرًا** یعنی حق تعالی زنان دنیا را چون در بهشت داخل خواهد  
 بکره و عاشقه شوهر خود و همه زنان بیک عمر باشند و ترندی و بیهقی از انس از آنحضرت صلی الله  
 علیه و سلم روایت کرده که پسر زنان کور چشم و چرکین چشم را حق تعالی بکار سازد و نیز همچنین ام سلمه  
 روایت کرده و در دیگر احادیث آمده که این بهشت مرد و زن همه بیک عمر باشند سی و سه ساله

حق تعالی میفرماید **وَجَعَلْنَا بَيْنَ عَيْنَيْهِ كَافًا** یعنی سیاه چشم و طالع چشم گامشال **الْوَلَوُ الْمَكْنُونِ**  
یعنی مانند مردارید و صدق میفرماید **خَيْرَاتُ حَسَّانٍ** یعنی نیک خود خوشرو این مبارک از  
ادعای روایت کرده نیک خوابشند زبان دراز میبوده گونا باشد رشک یکدیگر نگنند ایانند  
**قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ** یعنی چشم خود بر ازواج خود کوتاه دارند بسوی دیگری نه بینند و فرموده  
**كَاِذَا بَلَغَ ابْنُ آدَمَ اِلٰهَاجَهُ** یعنی پستان نوحاسته هم سن این ابی الدنیا از انس از آنحضرت صلی الله  
علیه وسلم روایت کرده که خورشید اگر روی ای شور آب دهن اندازد تمام دریا شیرین شود بهیچ  
از این عباس از آن سرور روایت کرده که این بهشت را قوت جماع آنقدر باشد که در صبحگاه  
با صد زن جماع کند و طبرانی از ابی امامه از آنحضرت روایت کرده که آلات جماعت مانده نشود  
و شهوت منقطع نگردد و بزار و غیره از ابی سعید از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که  
این بهشت با زنان خود جماع کنند با زن باکره شود لیکن از جماع و جنس توالد نباشد و اگر  
کسی احیاناً آرزوی و دل کند حمل و زادن و جوان شدن مولود در یک ساعت است و بداند که اگر  
و البیهقی و غیر جماعت صلی الله علیه وسلم در حدیثی آمده که مردی با یکی از جوین صحبت داشتند  
ناگهان نوری از بالا ظاهر شد و گمان برد که تجلی حق شده ظاهر شود که حوری است بهتر از اولی میگوید که  
ولی خدا آیام را با تو نصیبی نیست چندی با وی صحبت دارد و باز همچنین دیگری ظاهر شود بهتر از ثانی  
و همچنین همچنین رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هر که غصه فرورد با وجود قدرت حق تعالی او را  
بر سر خلافت غلب کند و مختار سازد در حوران هر که را خواهد گیرد و فرموده که سه چیزند هر کسی را یکی از آن  
باشد او را حور عین داده شود کسی که امانت مخفی بخوف خدا داد کند و خیانت نکند کسی که فاکل  
خود را بخشد و سیکه بعد سرماز سوره اخلاص بخواند و فرموده مهر حوران قبضهای خرم و پارچک  
زان است یعنی آنچه بدویشان بدو فرموده جارب شش مساجد حوران تا فرموده که بهشت  
رجعت میگردد از سالی تا سالی بر ماه رمضان حوران زمینت میگیرند از سالی تا سالی دیگر برای ماه  
حوران میماند اخلاص شود و بهشت گوید آنی که در آن درینما از بندگان خود ساکنان در حوران







در پشت کعبه و لغو بزل ششم و مانند آن نباشد هر کس پدید یار رسول الله در پشت اسب باشد فرمود اگر داخل پشت  
 هرگاه سوار علی سبب غمهای کسی از یاقوت سرخ را سوار شوی او را پرباشند ببرد و هر جا که خواهی رساند و دیگر گفت  
 یا رسول الله شتر باشد فرمود اگر داخل پشت شوی هر چیز را که دل تو خواهد و چشم ترا لذت دهد میتا باشد  
**فصل در پشت بازار باشد که در آن بیع و شتر نیست مگر صورتهای مردان و زنان در آن باشند**  
 هر صورت که کسی را خوش کند بپردازان صورت گرد و طهرانی از ابی الدرداء از آنحضرت صلی الله علیه و سلم  
 روایت کرده در جنت عدن سوای انبیاء و شهداء و صدیقان کسی نباشد و باشد در آن پنج در خطره کسی  
 هم نمک نشسته باشد فقیر گوید که شاید مراد از این حدیث آن باشد که در آن رویت حق تعالی دائمی باشد مسلم  
 از انس از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که در پشت بازار باشد در آن تو و دایمی مشک باشند  
 رو جمیع مردم در آنجا روند و بارشمال بر آنها و زدن مشک بر روی و پارههایشان افشانند حسن جمال زیاده  
 شود چون نزد اهل نود و نود آنها گویند و الله شما حسن و جمال زیاده کردید و در احادیث آمده که طهور در  
 مثل شتر خنثی باشند چون شخصی قصد خوردن آن کند بخوان او پیش آید و از آن هر لذت خورد باز  
 آن طاهر ببرد و برود و در پشت با هم ملاقاتها کنند بسترها سوار شده و بر اسپان کنه بول کنند و به گنبد  
 و ابن ابی الدنیا از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که در پشت در  
 باشد که از بالای آن حلما و از زیر آن اسپان لعل از زر که زینهای شان و با گهای شان از مر و آید  
 یا قوت باشد و آنها را پرباشد و آنها قدم نمهند جانکه بصر رسد و لیار الله بران سوار شوند و دیگر  
 دیگر مردم که در مرتبه است باشند بگویند یا الهی اینها کیستند که نورشان نورهای ما را فرو نشاند و فرما  
 که اینها در راه خدا اتفاق میکردند و شما بخل میکردید و اینها جهاد میکردند و شما می شستید بهیچ از جهاد  
 و ابی سلیمان در تفسیر قوله تعالی و لَإِذَا رَأَيْتَ ثَمْرًا رَأَيْتَ عُقْمًا و مَلَكًا كَبِيرًا گفت که مراد از ملک کبر  
 آنست که فرستاده رب لغت سخن و لطیفه بروی آرد و بوی رسد تا که اذن دخول طلب کند از آنجا  
 و آن حاجت حاجب دیگر و همچنین پس اذن ولی الله دخول هرگاه آن ولی خواهد بی اذن پروردگار خود مشرف شود  
 فقیر گوید این از آنجاست که حق تعالی اقرست از جبل الوری و حج غفلت در میان نیست که حضور دائمی دارد

هرگاه نظر کنی  
 در اینجا بینی که  
 ملک کبر است  
 ۱۱

فصل ترمذی و حاکم از بریده روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که اهل هشت یکصد و بیست صفت باشند از آن جمله هشتاد و صف از است من و چهل از دیگر امم و عجمی و این عساکر از جابر روایت کرده که مومنان هر جمعه زیارت حق تعالی کنند حق تعالی بفرماید که بخوابید این هر چه خواهند مردم بجما رجوع کنند که چه چیز درخواست کنیم علما و جده سوال آموزند پس مردم بعلماء و هشت هم محتاج باشند و طباطبائی و بیهقی و ترمذی از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که اهل هشت بر هیچ چیز حسرت نکنند مگر بر ساعتی که در دنیا در آن ذکر خدا نکرده باشد آن عساکر از امیر المومنین علی رضی الله عنه از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که بونهی هشت بر هزار ساله برسد و بونهی هشت عقوق کننده و والدین را قاطع رحم را و پیرزانی را و کسیکه از کبر و ادا بر آید از کند نرسد

فصل اهل هشت در هشت بابرادران و یاران و دوستان ملاقاتها کنند و مادران می نیایند و برادر و بیهقی و غیره با از انس روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که چون هشتیان داخل هشت شوند اشتیاق برادران کنند پس سخت یکی مقابل سخت دیگری آید و با هم نجوایند آنچه در دنیا گذشته بود و اهل هشت دوزخیان را هم ببینند و برادر هشتیان این است که بهر صاحب رجات عالی ملاقات نمایند طباطبائی و ابوالفهم و غیره از آنکه روایت کرده که مردی نزد پیغمبر صلی الله علیه و سلم آمد و گفت یا رسول الله من ترا از جان خود و اهل و ولد خود دوست بدارم و چون بخانه میروم می تو صبر نمی توانم کرد تا که خدمت می آیم لیکن چون مردن خود و مردن بخواهیم می ترسم که تو در هشت در مقام پیغمبران باشی و من اگر به هشت رسم ترا ببینم آن حضرت جواب داد تا که جبرئیل نازل شد و این آیت آورد **وَمَنْ كُطِعَ لَهْهُ وَالرَّسُولُ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ** آیه آخر و در این روایت بهر چه در این بن جبرئیل رضی الله عنه را از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آورده که هر که در هشت شریعتی در دنیا بهر چه یاکبیر همه شان اجر و باشند یعنی بر تمام بدن شان سوی نباشند و امر و باشند یعنی بر سر سوی و در سال باشند لیکن نه کم نه زیاد و در چشم سر کشیده و این اهل دنیا از ابر عیال او

کسی که در هشت  
از خدا و رسول  
ببیند شان  
آنکه انعام داده است  
عبارت ایشان از نبی  
سید فغان

که در هشت موسی علیه السلام را ریش باشد تا سینه دیگر را نباشد و از کعب احبار مروست  
 که آدم علیه السلام را ریش سیاه تاناف باشد دیگر را نباشد شاید که هر دو را باشد نه غیر آنها را  
 و ابن عدی از علی و جابر رضی الله عنهما روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که هیچ اهل  
 بناهای شان گفته شوند مگر آدم علیه السلام را ابو محمد ابو احمد گفته شود صلی الله علیه وسلم و طبرک است  
 از ابن عباس آورده که زبان اهل هشت عری باشد و قوطی گفته که چون مردم از قبول و این زبان  
 باشد و در هشت زبان عدلی باشد و در هجین از عمران بن حصین از آنحضرت صلی الله علیه وسلم  
 روایت کرده که دیدم اکثر اهل جنت فقر و اکثر اهل جهنم زنان و بزرگواران از آنحضرت صلی الله علیه  
 وسلم روایت کرده که اکثر اهل هشت ابد باشند یعنی غافل از امور دنیا و آگاه از امور آخرت  
 و در هجی گفته یعنی سینه صاف و خوش گمان و از بهی گفته غافل از شر و مسلم از ابی هریره از آنحضرت  
 صلی الله علیه وسلم روایت کرده که داخل هشت شوند جماعتی که دلهای شان مثل دلهای پندگاران  
 باشد یعنی خائف و در زبان از اختلاط عوام و در هجین از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله  
 علیه وسلم روایت کرده که حق تعالی اهل هشت را گوید که بشاید گویند چرا راضی نشویم که ما را  
 دادی که کسی را از مخلوقات ندادی حق تعالی بفرماید ایاده م شمار آنچه ازین همه افضل است گویند  
 ازین افضل چه باشد فرماید که از شمار راضی شده ام که گاه من ناراض نشوم  
**فصل** بزرگترین نعمتهای هشت دیدار خداست جل و علا و انصاف و خارج و عزت از انکار  
 دارند اهل سنت و جماعت بدان مستی شده اند حق تعالی بفرماید **وَبَشِّرِ الصَّادِقِينَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهٖ فَاذْكُرُوا لَهُمْ**  
**لَا تُكْرِهُوا لَهُمْ شَيْئًا وَيُؤْتُونَ صَدَقَتَهُمْ سِرًّا وَلَا يُذِکُّوْنَهَا وَلَا يُنْفِقُوهَا وَلَا يَنْتَفِعُونَ بِهَا لِمَا لَا يُحِبُّ**  
 زیاده و دیدار حق تعالی تفسیر این آیه یعنی از هر چهار خلق را شدن و ابی بن کعب و کعب بن عجره  
 و ابی هریره و انس و ابو هریره و ابو موسی اشعری و ابن عباس و ابن مسعود و غیره مروست رسول  
 فرمود صلی الله علیه وسلم فریبست که خواهید دید پروردگار خود را روز قیامت چنانچه می بینید  
 در شب چهاردهم در حالیکه هیچ حجاب در میان نباشد هیچ بن سعید گفته که در روز قیامت حق تعالی

بعضی روایت کرده  
 روزنامه باشند و  
 پروردگار خود را  
 کنه طاعت بیک  
 دنیا و دنیا پرستان

هفتده حدیث صحیح وارد شده و اجماع است بر آن منع گشته اکار آن کفرست ذکر احادیث نیست  
 بسیار طول دارد و قوتیکه بدولت دیدار مشرف شوند جمیع نعمتهای بهشت از نظر ساقط گردد و اگر اجماع  
 مرویست که آنچه در دنیا روز عید باشد مردم بر اینده بچهنهای بهشت و خدا را بپسند یعنی در سالی  
 یکبار و بعضی احادیث آمده که در هفته یکبار و شاید در حدیث سابق هم مراد از روز عید روز جمعه باشد  
 و بعضی احادیث آمده در هر پنج روز یکبار و بعضی از عیش و آسایش و ایت کرده که بهترین اهل بهشت کسی باشد  
 که هر صبح هشتام بنید و آنو نعیم از ابی یزید بسطامی رضی الله عنه روایت کرده که بنندگان خاص حق تعالی  
 چنان باشند که اگر یک آن از رویت محجوب شوند فریاد کنند چنانچه دوزخیان بر آفریننده روزی فریاد کنند  
 فائده از امیر المومنین علی رضی الله عنه مرویست که تفسیر قوله تعالی **مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا** فرمود  
 هر که خواهد خدا را بیند باید که عمل صالح کند و کسی را بر آن آگاهان زد و خبر کنند  
**فصل بعضی علما گفته اند که روز قیامت مخصوص بشر است ملائکه را نخواهد شد لیکن بهیمنی ملائکه**  
 را هم رویت اثبات کرده حمایت کرده که حق تعالی ملائکه را پسند کرده چندین صنف  
 همه شان همیشه در عبادت قائمند و روز قیامت چون روز قیامت شود بر آنها حق تعالی تجلی کند  
 به بنده حق تعالی را و بگویند **مَا عِبَدْنَاكَ إِلَّا خَشْيَةَ رَبِّكَ** و نیز از مردمی از اصحاب انرا حضرت  
 صلی الله علیه و سلم روایت کرده که فرمود که حق تعالی را فرشتگان اند که از خوف خدای لرزد و شایسته  
 شان نیست از آنها فرشته که میریزد قطره آب از چشم گمرازان قطره فرشته می آید که تسبیح میکنند چنانچه  
 از فرشتگان از روزیکه پیداشده اند در سجود و اندر سجود و نیز دارند تار و قیامت و بعضی صفت  
 استاده اند از آن حرکت نموده تار و قیامت چون روز قیامت شود حق تعالی تجلی کند و خدا را بنهند  
 گویند **سُبْحَانَكَ مَا عِبَدْنَاكَ إِلَّا خَشْيَةَ رَبِّكَ** یعنی بکیست متر عبادت نکردیم ترا چنانچه شاید  
**فصل کفار از جن انفس در دوزخ باشند با اتفاق و در تومنان از جن علما اختلاف است بعضی گویند**  
 ایشان را دوزخ نیست معدوم شوند چنانچه ابو الشیخ از انس بن سلیم آورده که گفت مسلمانان

این حدیث صحیح است  
 ملائکه را پسند کرده  
 و روز قیامت  
 به بنده حق تعالی را  
 و بگویند  
 مَا عِبَدْنَاكَ إِلَّا خَشْيَةَ رَبِّكَ







